نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و یکم- شماره ۸۵۸ یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۶- ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

امضای قرارداد راه آهن بوشهر -شیراز به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار

پایتخت تجارت ایران با اجرای راه‌آهن شیراز ـ بوشهر رونق بیشتری می‌گیرد

صفحه ۲

گفت‌وشنود با همایون شهنواز، کارگردان دلیران تنگستان

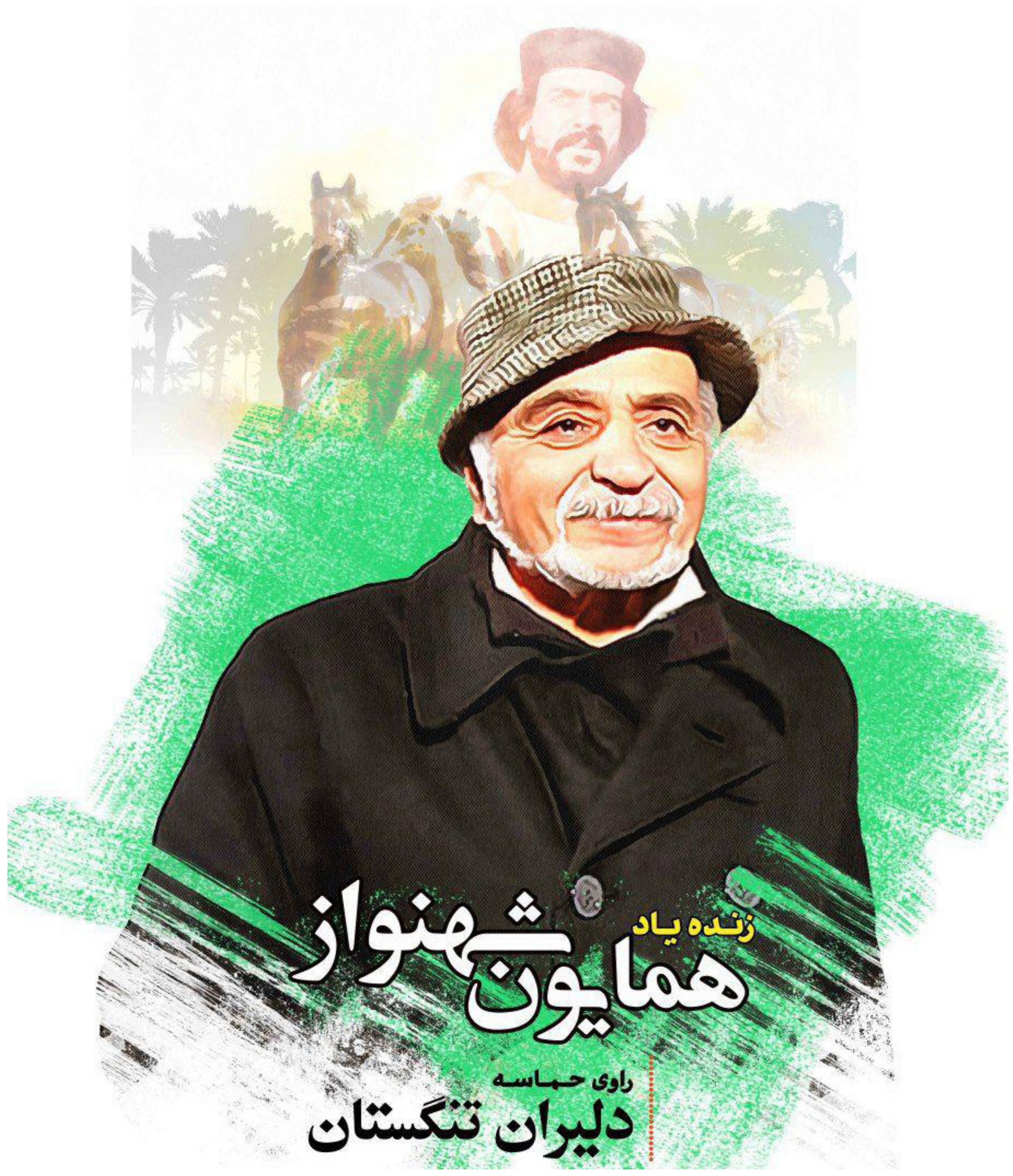
از خودم پرسیدم همه رفتند، پس تو چرا ماندی

صفحه۵



انتخاب اسماعیل تبادار بعنوان چهره ماندگار شهر بوشهر

صفحه ۲





انتخاب لیلا رجبی بعنوان شهروند افتخاری بوشهر

صفحه ۲

یادی از استاد سیدمحمدحسن نبوی

دکتر عباس علوی نژاد

صفحه ۸

سکه ضرب «کنگون» در قرن نهم هجری

سیدقاسم یاحسینی (پژوهشگر و مورخ)
سیدمحمدعلی موسوی (سکه شناس و سکه پژوه)

صفحه۴

نسیم جنوب
خبر
شماره ۸۵۸ یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

امضای قرارداد راه آهن بوشهر –شیراز به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار



قرارداد ساخت راه آهن بوشهر- شیراز با شرکت چینی با حضور وزیر راه و شهرسازی و استانداران بوشهر و فارس به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار امضا شد.
به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، در مراسمی با حضور وزیر راه و شهرسازی، استانداران بوشهر و فارس، قائم مقام وزیر در امور بین الملل، معاون ساخت و توسعه راه آهن و نمایندگان شرکت چینی قرارداد ساخت راه آهن شیراز–بوشهر امضا شد.
عبدالکریم گراوند استاندار بوشهر در این نشست با تقدیر از دولت تدبیر و امید و وزیر راه و شهرسازی اظهار داشت: به نمایندگی از مردم استان بوشهر و کارگزاران استان و نمایندگان استان در مجلس از وزیر با تدبیر و پرتلاش راه و شهرسازی جناب دکتر آخوندی تقدیرمی‌کنم.
وی یادآور شد: پایان سال ۹۶ و روزهای آغازین سال ۹۷ ایام امیدبخشی برای مردم استان بوشهر و جنوب استان فارس است و این روز در حافظه تاریخی مردم استان ماندگار خواهد بود.
استاندار بوشهر با تأکید بر لزوم تسریع در تکمیل این پروژه افزود: استان بوشهر دارای ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای است که اجرای این پروژه را توجیه‌پذیر کرده است.
گراوند ابراز داشت: استان بوشهر روزگاری به عنوان پایتخت تجارت ایران بوده و اجرای پروژه راه‌آهن در مسیر بوشهر به شیراز و اتصال به خط ریلی سراسری می‌تواند نویدبخش توسعه و آبادانی بوشهر و ایران اسلامی باشد.
وی بیان کرد: اجرای این پروژه در راستای تحقق شعارهای رئیس جمهور محبوب و دولت تدبیر و امید است و امیدواری را در بین مردم زنده خواهد کرد.



تأمین سهم ۱۵ درصدی فاینانس از محل صندوق توسعه ملی

وزیر راه و شهرسازی نیز با اشاره به در دستور کار قرار گرفتن جزیره نگین در ابتدای فعالیت دولت گفت: با توجه به اینکه بندر بوشهر امکان توسعه محدودی داشت احداث بندر نگین در بوشهر در دستور کار قرار گرفت که با تکمیل جزیره نگین این بندر به شبکه ریلی متصل می‌شود.
دکتر عباس آخوندی ادامه داد: احداث این خط هم از نظر مسافری و هم باری مطلوب ارزیابی می‌شود، ضمن آنکه به کاهش سوانح رانندگی، کاهش مصرف سوخت و توسعه شبکه ریلی می‌انجامد.
آخوندی ادامه داد: پروژه راه‌آهن شیراز – بوشهر با حضور شرکت خصوصی ایرانی با همراهی شرکت چینی انجام می‌شود.
وزیر راه و شهرسازی اظهار داشت: یکی از مشکلات در فاینانس پروژه‌ها تأمین سهم ۱۵ درصدی است که نکته مهمی بود، اما با همراهی مجلس در بودجه ۹۷ پیش‌بینی شد که سهم ۱۵ درصدی فاینانس از محل صندوق توسعه تأمین شود.
آخوندی در پایان از تلاش های دکتر خادمی مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور، دکتر ذاکری معاون ساخت و توسعه راه آهن و دست اندرکاران این پروژه تقدیر و تشکر کرد.
در ابتدای این جلسه مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه نیز ضمن تأکید بر اولویت دولت یازدهم و دوازدهم در توسعه و تکمیل شبکه ریلی کشور گفت: در ابتدای دولت یازدهم مسیر تأمین مالی، روند مطالعات و تکمیل پروژه های ریلی بر اساس اولویت ها توسط وزیر راه و شهرسازی مشخص شد.
خیراله خادمی از داشتن ۳ هزار و ۴۱۰ کیلومتر مسیر ریلی در حال مطالعه و اجرا خبر داد و افزود: اتصال ۵ استان کشور به شبکه ریلی از جمله اولویت‌های ما به حساب می‌آید که در سال ۹۶ و ماه‌های ابتدایی سال ۹۷ این مهم محقق خواهد شد.
معاون وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: بر اساس برنامه ریزی انجام شده برای تکمیل محورهای ریلی تأمین اعتبار از منابع خارجی پیگیری می شد که در همین راستا ۷ پروژه به طول مجموع ۲ هزار و ۲۷۰ کیلومتر و هزینه اجرا ۱۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان در دستور کار قرار گرفت.
خادمی راه آهن شیراز–بوشهر را یکی از این پروژه ها عنوان کرد و اظهار داشت: مطالعات فاز اول و فاز دوم این پروژه به عنوان تکمیل کننده کریدور ریلی اتصال به بندر بوشهر به اتمام رسید و امروز شاهد انعقاد قرارداد این پروژه در حالی هستیم که مبنای برآورد مالی آن بر اساس فهرست بهای ایران است که اتفاقی بزرگ به حساب می آید.
وی اضافه کرد: مبلغ قراردادی که امروز امضا می شود ۲ هزار و ۳۶۰ میلیارد تومان معادل ۷۰۰ میلیون دلار و ۵ میلیارد یوآن چین است.
خادمی برآورد مسافر و بار در این محور طی ۲۰ سال



آینده در بخش مسافر را سالانه یک میلیون نفر و در بخش بار سالانه ۱۲ میلیون تن عنوان کرد و گفت: این مسیر در دو قطعه ۲۵۰ و ۲۰۰ کیلومتری اجرا می‌شود.

انتخاب اسماعیل تبادار بعنوان چهره ماندگار شهر بوشهر
انتخاب لیلا رجبی بعنوان شهروند افتخاری بوشهر



استاندار بوشهر گفت: هفته بزرگداشت روز بوشهر فرصت ارزشمندی برای تجلیل از زنان و مردان افتخارآفرین این دیار است.
به گزارش ایرنا، عبدالکریم گراوند در آئین اختتامیه بزرگداشت ۱۸ اسفند روز بوشهر افزود: بوشهر همواره نقش پررنگی در توسعه و آبادانی ایران اسلامی داشته و این نشان از تأثیرگذاری همیشگی این استان در جغرافیای کشور است.
وی تصریح کرد: بوشهر در تاریخ ایران بیش از پنج هزار سال سابقه تاریخی و تمدنی دارد و تنها استانی است که در تاریخ درخشان خود ۱۰ کشور بزرگ دنیا در آن دفتر نمایندگی داشتند.
استاندار بوشهر در ادامه با گرامیداشت یاد و خاطره همایون شهنواز کارگردان فقید سریال "دلیران تنگستان" اظهار کرد: این شخصیت بزرگ در معرفی تاریخ و مقاومت های این سرزمین به جامعه نقش پررنگی ایفا کرده و بعنوان هنرمند برجسته این دیار لقب گرفته است.
گراوند در ارتباط با انتخاب اسماعیل تبادار بعنوان چهره ماندگار شهر بوشهر نیز گفت: این شخصیت در دوران خدمت خود با تلاش های خالصانه و مجاهدانه در عمران و آبادانی این سرزمین نقش آفرینی های فراوانی داشته و در اذهان مردم استان نام نیکی از خود به یادگار گذاشته است.
وی در ارتباط با انتخاب لیلا رجبی بعنوان شهروند افتخاری بوشهر نیز گفت: این ورزشکار از قهرمانان نیک نام و ارزنده ای است که در میدان های ملی و بین المللی همواره افتخارآفرینی های فراوانی داشته است.
گراوند اضافه کرد: امید می رود با توجه به وجود زنان شایسته و توانمند در استان بوشهر در سال های آینده نیز شاهد انتخاب زنان به عنوان چهره ماندگار این سرزمین باشیم.
رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر گفت: برگزاری آئین اختتامیه هفته بزرگداشت بوشهر در ۱۸ اسفند هر سال فرصت ارزشمندی است تا از زنان و مردانی که برای این دیار افتخارآفرینی کردند تقدیر و تجلیل شود.
ابوذر دهدار افزود: در این راستا هر سال افرادی بعنوان چهره ماندگار و شهروند افتخاری انتخاب می شوند که امسال این ۲ عنوان به ترتیب به اسماعیل تبادار استاندار سابق بوشهر و لیلا رجبی قهرمان رشته دو و میدانی اختصاص یافت.
وی ادامه داد: تبادار در دوران مدیریت خود در استان بوشهر کارنامه درخشانی از خود بر جای گذاشت که این کارنامه ارزشمند باعث انتخاب وی بعنوان چهره ماندگار شهر بوشهر از سوی شورای پنجم شد.
دهدار افزود: انتخاب اسماعیل تبادار به عنوان استاندار فارس بیانگر شایستگی های مدیریتی ایشان است که امید می رود در این سمت همانند دوران فعالیت خود در استان بوشهر موفق و سربلند بیرون آید.
وی در ارتباط با انتخاب لیلا رجبی بعنوان شهروند افتخاری شهر بوشهر نیز گفت: این قهرمان ورزشی که از کشور زیبای بلاروس به ایران و بوشهر عزیمت کرد امروز بعنوان قهرمان ملی برای کشور افتخارآفرینی می کند و این امر باعث انتخاب وی بعنوان شهروند افتخاری بوشهر از سوی شورای شهر شد.
دهدار در ارتباط با فعالیت های شورای شهر بوشهر نیز گفت: این شورا در مدت پنج و نیم ماه گذشته با برگزاری ۶۲ نشست علنی ۶۸ مصوبه در حوزه فعالیت های عمران شهری به تصویب رسانده است.
وی در ارتباط با تقاطع غیرهمسطح میدان آزادی شهر بوشهر نیز گفت: این پروژه بعنوان یکی از مطالبه های مهم شهروندان بوشهری در عید نوروز امسال به بهره برداری می رسد.
دهدار در ادامه خطاب به استاندار بوشهر نیز گفت: با توجه به اینکه استان بوشهر بیشترین مرز آبی با خلیج فارس را دارد انتظار می رود امسال آئین های بزرگداشت روز ملی خلیج فارس در این استان برگزار شود.

پایتخت تجارت ایران با اجرای راه‌آهن شیراز ـ بوشهر رونق بیشتری می‌گیرد

استاندار بوشهر با اشاره به انعقاد قرارداد ساخت راه آهن شیراز به بوشهر با یک شرکت چینی گفت: ساخت این پروژه به عنوان یکی از مطالبات مردم بوشهر عملیاتی شد که با اجرای آن پایتخت تجارت ایران «بوشهر» رونق بیشتری می گیرد.
به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، عبدالکریم گراوند در مراسم بارگیری سکوی فاز ۲۲ پارس جنوبی از صدرای بوشهر با قدردانی از تلاش قرارگاه خاتم‌الانبیا در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اظهار داشت: مفهوم «ما می‌توانیم» در فعالیت قرارگاه خاتم‌الانبیا در صدرای بوشهر در عمل اثبات شد.
وی با بیان اینکه سکوی عظیم پارس جنوبی در صدرای بوشهر با تلاش متخصصان ایرانی ساخته شد افزود: برای هر ایرانی مایه افتخار و اقتدار است که فرزندان این مرز و بوم دانش‌های پیشرفته، ساخت سازه‌های دریایی را بومی سازی کردند و اکنون شاهد بارگیری یکی از این پروژه‌ها در جزیره صنعتی صدرای بوشهر هستیم.
استاندار بوشهر با اشاره به نقش مهم ساخت این سکوها و راه‌اندازی فازهای باقیمانده پارس جنوبی در افزایش برداشت از میدان مشترک بیان کرد: امروز یکی از سکوهای مهم پارس جنوبی به ثمر نشست و بر اساس برنامه تعیین شده در آینده دیگر سکوهای در دست ساخت تکمیل و نصب می‌شود که ضمن افزایش برداشت گاز از میدان پارس جنوبی، عقب ماندگی برداشت و تولید گاز از این میدان مشترک جبران می‌شود.
گراوند از انعقاد قرارداد ساخت راه آهن شیراز به بوشهر با یک شرکت چینی خبر داد و تصریح کرد: ساخت این پروژه به عنوان یکی از مطالبات مردم بوشهر عملیاتی شد که با اجرای آن پایتخت تجارت ایران«بوشهر» رونق بیشتری می گیرد.
وی اجرای پروژه راه‌آهن بوشهر را یکی از آرزوهای دیرینه مردم این استان دانست و بیان کرد: راه آهن شیراز- بوشهر- عسلویه اتصال قلب تپنده اقتصاد کشور به مرکز کشور به شمار می‌رود و اجرای آن از آرزوهای دیرینه مردم استان بوشهر بود.
استاندار بوشهر امضای قرارداد اجرای راه آهن شیراز به بوشهر را عیدی دولت به مردم استان بوشهر عنوان کرد.

نماینده استاندار و مدیر راهبری استقرار و توسعه منطقه ویژه علم و فناوری خلیج فارس منصوب شد

استاندار بوشهر در حکمی، فرشته بیات را به عنوان نماینده استاندار و مدیر راهبری استقرار و توسعه منطقه ویژه علم و فناوری خلیج فارس منصوب کرد.
به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، در این حکم که به امضای عبدالکریم گراوند استاندار بوشهر رسیده خطاب به فرشته بیات آمده است: با عنایت به نقش فزاینده حوزه های علم و فناوری در توسعه همه جانبه و در اجرای مصوبه مورخ ۸۹/۱/۱۵ هیأت محترم وزیران موضع نحوه تأسیس و توسعه مناطق ویژه علم و فناوری کشور، نظر به تجارب و شایستگی علمی جنابعالی و به موجب این حکم به عنوان نماینده استاندار و مدیر راهبری استقرار و توسعه منطقه ویژه علم و فناوری خلیج فارس منصوب می شوید.
در ادامه این حکم آمده است: امید است با جلب همکاری مراکز تحقیقاتی، علمی و صنعتی استان موجبات استقرار و راه اندازی این منطقه را بر اساس اساسنامه مهیا سازید.

دلیل فوت همایون شهنواز کارگردان باسابقه چه بود

چندی قبل برخی خبرگزاری ها از سوختگی همایون شهنواز کارگردان سریال «دلیران تنگستان» خبر داده بودند. این کارگردان در حادثه‌ای در منزل شخصی خود دچار حادثه شده بود، به دلیل شدت سوختگی، شدت جراحات و همچنین ایست قلبی در بیمارستان درگذشت.
محمد ولی‌زاده، روزنامه‌نگار و دوست همایون شهنواز ـ کارگردان سریال تلویزیونی «دلیران تنگستان»، «روزهای به‌یادماندنی» و فیلم سینمایی «شاه خاموش» در گفت‌وگویی با ایسنا این خبر را تأیید کرده است.
ولی‌زاده در توضیح این خبر گفت: شرایط جسمی همایون شهنواز پس از عمل جراحی حادتر شد تا اینکه ایست قلبی داشت که احیا شد ولی در نهایت متأسفانه به دلیل شدت سوختگی درگذشت.
در دوران بستری بودن همایون شهنواز در بیمارستان جمعی از اهالی سینما و صداوسیما و همچنین معاون وزیر بهداشت به عیادت وی رفتند.

مدیرکل امور بانوان استانداری بوشهر:
اجرای ۳۰۰ ویژه برنامه هفته زن در استان بوشهر



مدیرکل امور بانوان استانداری بوشهر گفت: در هفته زن بیش از ۳۰۰ برنامه در بخش‌های مختلف در سطح استان اجرا شد.
فاطمه دهقانی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر ضمن تبریک این هفته اظهار داشت: در هفته زن برنامه‌های خوبی در سطح استان برگزار شد که افتتاح یک واحد مسکونی و تجلیل از مادر شهید آریافر در شهرستان دشتی از جمله این برنامه‌ها بوده است.
وی با اشاره به برگزاری ۳۰۰ برنامه در هفته زن افزود: این برنامه‌ها در بخش‌های مختلف از جمله برگزاری نمایشگاه توانمندسازی زنان، تجلیل از زنان موفق، افتتاح طرح‌های اشتغال‌زا، تجلیل از مادران شهدا و غیره بود.
دهقانی اضافه کرد: دولت تدبیر و امید در راستای توانمندسازی زنان تسهیلات خوبی با نرخ پایین پرداخت می‌کند و بانوان نیز می‌توانند از این تسهیلات استفاده کنند و هیچ محدودیتی برای بانوان در گرفتن این تسهیلات وجود ندارد.
وی ادامه داد: در سال جاری نیز ۱۲ میلیارد ریال برای توانمندسازی ۴۰۰ نفر از زنان سرپرست استان بوشهر پرداخت شده است.

معاون سوادآموزی استان بوشهر:
۲۵ تفاهم‌نامه برای صفر شدن بی‌سوادی در استان بوشهر منعقد شد

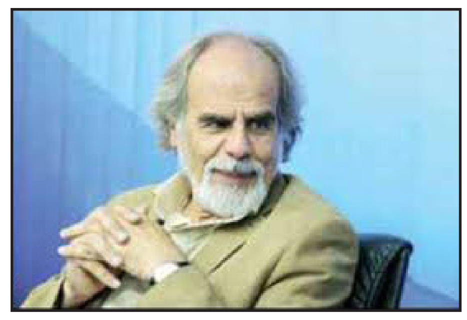


معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: ۲۵ تفاهم‌نامه با دستگاه‌های اجرایی استان برای صفرشدن بی‌سوادی در استان بوشهر امضا شد.
به گزارش خبرنگار مهر، غلامرضا دانش فر در جلسه بهبود کیفیت سوادآموزی با اشاره به نتایج بدست آمده اجرای طرح تشویق باسوادی در روستاهای استان معروف به طرح بنی اظهار داشت: از سال گذشته تاکنون همزمان با شش استان دیگر کشور در روستاهای استان بوشهر نیز با هدف باسوادی کامل افراد بی سواد ساکن در این روستاها، طرح پاداش محور بنی اجرایی شده است.
معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر افزود: پس از راستی آزمایی مشخص شد که تعداد ۳۲۶ نفر یا باسوادند و یا اینکه غیرقابل آموزش بوده و مشمول بهره مندی از این طرح تشویقی نیستند.
وی با بیان اینکه در راستای اجرای طرح بنی یک میلیون تومان پاداش برای آموزش هر یک از افراد بی سواد در نظر گرفته شده که پس از پایان دوره سوادآموزی به حساب آنها واریز می شود گفت: تاکنون تعداد ۲۴۲ نفر در دوره سوادآموزی برای باسواد شدن تحت پوشش قرار گرفته اند.
دانش‌فر با اشاره به اینکه در راستای به صفررسانی بی‌سوادی در استان ۲۵ تفاهم نامه با دستگاه‌های اجرایی استان منعقد شده است، گفت: به منظور کاهش بیشتر تعداد بی سوادان در روستاها و شهرهای استان و رسیدن به حد مطلوب رسانه‌ها، نهادها، مؤسسات و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی بویژه ادارات آموزش و پرورش در مناطق هیجده گانه همکاری و تلاش مضاعف تری صورت بگیرد.

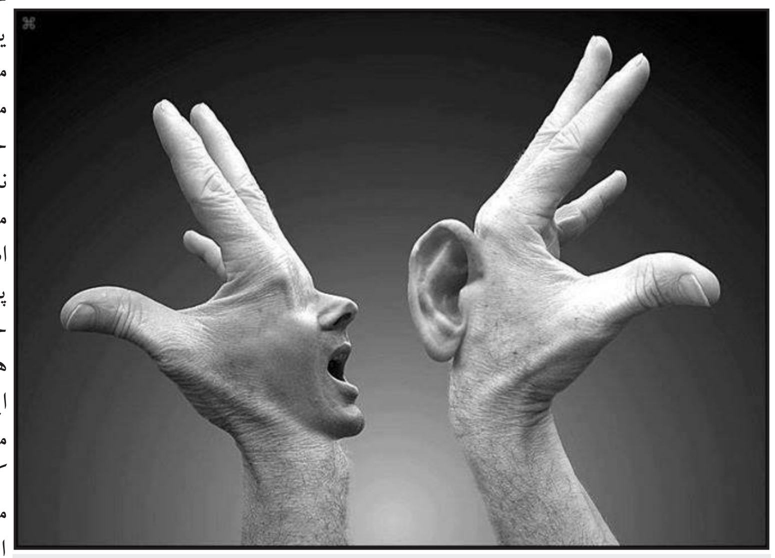
نسیم جنوب
۳
مقاله
شماره ۸۵۸ یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

چرا ما حرف مفت می‌زنیم

مصطفی ملکیان



ادله غیرمعرفتی
این ادله به دو دسته فردی و جمعی تقسیم می‌شوند. اینها عواملی روانی هستند.
–از میان ادله فردی یکی احساس تنهایی عمیق است. فرد برای رفع تنهایی عمیقش حرف مفت می‌زند تا با دیگری ارتباط برقرار کند. این نشان‌دهنده آن است که فرد سلامت روانی ندارد. انگیزه دیگر حرف مفت خودشیفتگی است، مثل زمانی که فرد احساسات و عواطف خود را برای دیگران بیان می‌کند. این قسم غیر از آنکه نشان‌دهنده فقدان سلامت روانی است، نشان‌دهنده نوعی رذیلت اخلاقی نیز هست. سومین دلیل فردی حرف مفت خودنمایی است که صرفا یک رذیلت اخلاقی است، مثل فردی که رشته اصلی‌اش فیزیک است، اما در سایر رشته‌ها نیز اظهارنظر می‌کند. دلیل فردی چهارم حرف مفت تنبلی است. آدمی که حوصله مطالعه ندارد، حرف مفت می‌زند.
اما عوامل غیرمعرفتی اجتماعی نیز هست که فرانکفورت به برخی از آنها اشاره کرده است.
– نخست اینکه در تمدن مدرن سخن گفتن، علامت برتری است. یکی از ویژگی‌های ماهوی فرهنگی مدرنیته این است که برای سخن ارزش قائل است، نه برای سکوت. بنابراین مدرنیته بی‌معنایی (non sense) را رواج داده است، زیرا برای نفس سخن گفتن ارزش قائل است. در حالی سکوت یکی از ویژگی‌های فرزانگان در دوران گذشته بود. دومین عامل اجتماعی دموکراسی است. در دموکراسی از شهروندان خواسته می‌شود که در مسائل مختلف اظهارنظر کنند و این سبب رواج حرف مفت‌گویی می‌شود. البته دموکراسی به ضرورت عملی چاره‌ای جز رجوع به نظر همگان ندارد و به لحاظ حقوقی برای همه حق سخن قائل است، اما این بدان معنا نیست که افراد به لحاظ اخلاقی نیز می‌توانند راجع به هر چیز حرف بزنند. در حالی که باید میان حقوق و اخلاق تمایز گذاشت.
– سومین عامل اجتماعی این است که در مدرنیته «حکمت به من چه» وجود ندارد. در مقام علم، جواب هر سوالی را دانستن به درد نمی‌خورد. «حکمت به من چه» فرزانگان باستان می‌گوید سوالاتی را باید پرسید که وضع انسان قبل از طرح آنها در ذهن با بعد از طرح آنها فرق کند. در مدرنیته به نام کنجکاوی علمی هر پرسیدنی مستحسن شمرده می‌شود. هایدگر در «هستی و زمان» در این زمینه بهترین نکته را خاطرنشان می‌شود و می گوید زمانی که کسی کنجکاوی بی‌ارزش داشته باشد، مخاطب یاوه‌گویی بی‌ارزش می کند و مخاطب و گوینده هر دو سرگشته می‌شوند. او می گفت باید اولین مرحله یعنی کنجکاوی بی‌جا را متوقف کرد وگرنه دو پدیده بعدی یعنی یاوه گویی بی‌ارزش و سرگشتگی نیز رخ می‌دهد. هیچ تحلیلگری به خوبی هایدگر این پدیده را تحلیل نکرده است.
– چهارمین پدیده اجتماعی که سبب رواج یاوه‌گویی می‌شود، سیطره کمیت بر کیفیت در دوران ما است. در چنین روزگاری افراد به جای حرف درست (توجه به کیفیت)، زیاد حرف می‌زنند (توجه به کمیت). قرآن می گوید: «لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (سوره ملک، آیه ۲) یعنی خدا می‌آزماید که کدام کار بهتر می‌کنید، نه اینکه کدام یک کار بیشتری می‌کند یعنی نگفته است «ایکم اکثر عملا» یعنی قرآن برای کیفیت عمل ارزش قائل است نه کمیت آن.
– پنجمین عامل اجتماعی رواج حرف مفت، تقدم اتیکت (آداب معاشرت) بر اتیکس (ethics، اخلاق) است. میان آداب معاشرت و اخلاق تمایز هست و هر دو ضرورت دارد. اما هنگام تعارض این دو باید اخلاق را بر آداب معاشرت ترجیح داد. متأسفانه امروز آداب معاشرت بر اخلاق تقدم یافته و به همین خاطر افراد برای رعایت ادب و احترام، به حرف مفت گوش می‌کنند.
۲– ادله معرفتی:
– همه فلسفه‌ها و مکتب‌ها و سنت‌های فکری که می‌گویند یا حقیقتی در کار نیست (نیهیلیسم معرفتی) و فقط چشم‌اندازها و سوژه‌ها در کار هستند؛ یا بشر به حقیقت دسترسی ندارد (آگنوستیسیزم یا اسکپتیسیزم معرفتی)، در واقع می‌گویند، هر چه بیان می‌شود، حرف مفت است. هر جا انسان فکر کند حقیقتی نیست یا دسترسی به حقیقت ندارد، به گمانه زنی درباره حقیقت می‌پردازد و این به معنای حرف مفت است. این دیدگاه معرفتی لب سخن پست‌مدرن‌هاست. آنها می‌گویند حقیقتی در کار نیست و اگر حقیقتی هم هست، خارج از دسترس بشر است. این البته غیر از سخن کانت است که می‌گفت نومنی (شیء فی‌نفسه) هست که از دسترس معرفت خارج است، اما معرفت به فنومن (پدیدار) امکان‌پذیر است.



فرد برای رفع تنهایی عمیقش حرف مفت می‌زند تا با دیگری ارتباط برقرار کند. انگیزه دیگر حرف مفت خودشیفتگی است، مثل زمانی که فرد احساسات و عواطف خود را برای دیگران بیان می‌کند. دیگر دلیل فردی حرف مفت خودنمایی است که صرفا یک رذیلت اخلاقی است، مثل فردی که رشته اصلی‌اش فیزیک است، اما در سایر رشته‌ها نیز اظهارنظر می‌کند. دلیل دیگر حرف مفت تنبلی است. آدمی که حوصله مطالعه ندارد، حرف مفت می‌زند.

به طور خلاصه:
دلایل فردی یاوه‌سرایی
– رفع تنهایی عمیق موجب حرف مفت است.
– آدم خودشیفته حرف مفت‌می‌زند.
– خودنمایی انگیزه فردی حرف مفت‌زدن است.
– آدم تنبل، حرف مفت می‌زند.
دلایل جمعی یاوه‌سرایی
– دموکراسی سبب رواج حرف مفت‌می‌شود.
– در مدرنیته حکمت به من چه، وجود ندارد.
– سیطره کمیت بر کیفیت علت حرف مفت‌زنی است.
– تقدم اتیکت بر اتیکس دلیل حرف مفت زدن است.
مصطفی ملکیان، سخنرانی در رونمایی از کتاب «در باب حرف مفت»

جولان لمپن ها در عصر جدید

دکتر حمید حیدرپناه

۱– «ما وارد دوران جدیدی شده‌ایم» این جمله یکی از پرتکرارترین جملاتی است که در سال‌های اخیر تکرار کرده‌ام. چه در یادداشت‌ها، چه نشست‌های تخصصی، برنامه‌های رادیو–تلویزیونی و کلاس‌هایم در دانشگاه و حتی بحث‌های روزمره!!
عمده‌ترین دلیل این اتفاق را به واسطه رشد تکنولوژی و خصوصاً ظهور فضای مجازی و سیطره‌ی آن بر زندگی امروز انسان‌ها می‌دانم. از مهم‌ترین ویژگی‌های دوران جدید، سرعت تغییرات اجتماعی، تحول در عرصه اطلاع‌رسانی، تحقق دهکده جهانی و برداشته‌شدن مرزها، افزایش بارش اطلاعاتی به اذهان و از همه مهم‌تر تغییر ارزش‌ها و گروه‌های مرجع است که موجب تغییر ذائقه و خوراک فکری بخش زیادی از جامعه شده است.
۲– در عصر فعلی، فضای مجازی محل ظهور و جولان قهرمانان پوشالی جدید شده، سلبریتی‌ها بیشترین نگاه‌ها را به خود جلب نموده و در این بین نگاه‌ها به سمت آدم‌های سطحی، سوژه‌های دم‌دستی، تکیه کلام‌های کوچه بازاری و... افزایش یافته و به موازات آن شاهد افت جایگاه دانشگاهیان، نخبگان واقعی و کاهش مخاطبان رسانه‌های رسمی هستیم. این واقعیت را می توان از روی تعداد مخاطبان کانال‌های طنز دم‌دستی و دنبال کننده‌های صفحات اینستاگرام برخی چهره‌ها در مقایسه با صفحات و کانال‌های علمی و فرهنگی، صفحات رسمی نهادهای دولتی و... به خوبی مشاهده نمود که چرایی این پدیده نیازمند پژوهش و تحلیل‌های دقیق علمی است.
۳– در روزگاری که یک ویدئوی سخیف از مردی که «از این به بعد تمام هزینه‌ها برای عشقش می‌شود»؛ به سرعت منتشر و به موازات ساخت هزاران دابسمش، این جمله وارد ادبیات عوام می‌شود. کمی بعد شاخ و شانه کشیدن یک مرد که عربده‌کشی مجازی را با لحن و جمله بندی خاص بیان می کند و «مشکل برات پیش آمده کسئگم» وارد ادبیات محاوره جامعه می شود.
۴– و این چنین می شود که یک ویدیوی کوتاه که نسخه ی اصلی آن سرشار از الفاظ رکیک و غیرقابل پخش است، در کوتاه ترین زمان ممکن غوغایی در فضای مجازی ایجاد کرده و «کسئگم» تبدیل به سلبریتی می‌شود و مطابق انتظار دابسمش‌های متعدد ساخته می‌شود، کیک تولدش می آید، عکس‌های پروفایل و استیکرش دست به دست می‌شود و در نهایت صفحات مجازی زیادی با نام او ایجاد می‌شود که در عین شگفتی، مخاطبان صدهزارتایی هم جذب می کنند.
۵– این پایان ماجرا نیست، وقتی پای کسئگم و ادبیات او به راهپیمایی ۲۲ بهمن می رسد و با همان ادبیات برای ترامپ هم کری‌خوانی می‌کند، شاید در نگاه اول لبخند را به لب‌ها بیاورد اما اگر به عمق واقعه اندیشه کنیم، یک تراژدی فرهنگی رقم خورده است، حتی اگر فتوشاپ هم باشد!!!!
و البته کمی قبل‌تر، سلبریتی شدن چهره‌هایی همچون کچلیک، سجاد، وحید خز و میزان دنبال کننده‌های آن ها را هم اضافه کنیم، به عمق فاجعه و جولان لمپن‌ها در فضای مجازی بیشتر پی می‌بریم.



۶– چرایی این اتفاق می‌تواند دلایل زیادی داشته باشد، اما در نگاه کلی جلب توجه بیشتر نگاه عوام به سوی طنزهای دم‌دستی در فضای مجازی نشان‌دهنده ی واقعیتی تلخ و خلا بزرگ در جامعه است و آن هم کمبود شادی و هیجان به موازات افزایش ناکامی‌ها و آسیب‌های اجتماعی است و وقتی برای افراد خوراک مناسبی برای شادی پایدار تعبیه نشود، طبیعی است که خودشان سراغ خوراک دیگری می‌روند، هر چند تأمین آن از طریق طنزهای سخیف و دم دستی باشد، هر چند رفتن به سمت شادی زودگذر و موقتی باشد.
۷– بخش دیگری از علت این واقعه ساختارشکنی و نوآوری است، حتی در شکل دم دستی و سطحی آن!
در شرایطی که بخش زیادی از عرصه فرهنگ ما دچار نوعی روزمرگی، کلیشه سازی، برنامه‌های تکراری و خالی از خلاقیت است، یک ادبیات متفاوت و کمی جابجایی کلمات می‌تواند نگاه جامعه را به خود جلب کند، «همه هزینه ها برای توو»، «مشکل برات پیش آمده»، «کسئگم» و... فقط کمی ساختار جملات معمول را متفاوت کرده اند و همین یکی از عوامل جلب توجه مخاطبان شده و این اتفاق حداقل یک پیام نهفته برای متولیان فرهنگی دارد که اگر می خواهید کمی نگاه جامعه را جلب کنید، تلاش کنید کمی متفاوت باشید، کمی خلاقیت به خرج دهید و از همه مهم‌تر به سمت برنامه‌هایی بروید که محتوایشان نگاه از بالا به پایین نباشد، کمی به فضای ذهنی افراد جامعه نزدیک‌تر شده و می توان در عین تولید محتوای مفید نزدیک به ذائقه آن‌ها، پیام‌های آموزشی هم تولید و تکثیر کرد.
۸– بدون شک نمی‌توان شکاف ایجاد شده بین نهادهای رسمی و نخبگان با جامعه را انکار کرد و لازم است فکری برای پوشاندن این شکاف کرد که بدون شک در صورت تداوم آن، شاهد افزایش روزافزون فاصله ها خواهیم بود.

چرا سیاست در ایران بسیار جذاب است؟!

مهران صولتی



در ایران امروز باید از سیاست به عنوان "درمان دردها" و "درد بی درمان" نام برد! درمان دردها است چون در هر محفل و مجلسی بی اختیار همه بحث ها به آن ختم می شود و همه راه حل ها، سیاسی به نظر می رسد! همچنین درد بی درمان است چون معلوم نیست که چگونه قرار است این همه مسائل و گفتگوهای سیاسی زمانی به سرانجام برسد! و همین می شود که سایه اش دست از سر ما بر نمی دارد و در هر فضای حقیقی و مجازی آرام و یواشکی به میانه بحث می خزد و منطق خود را بر هر عرصه تخصصی و عمومی تحمیل کرده و عنان گفتگوها را به دست می گیرد! در این میان هم نهیب همیشگی "بحث سیاسی ممنوع!!" کمتر خریدار می یابد و باز روز از نو و روزی از نو! ولی چرا سیاست و بحث های سیاسی تا این حد برای جامعه ایران جذاب است که می توان امتداد آن از درون تاکسی ها تا جلسات دانشگاهی و از فضاهای واقعی تا گروه های حتی تخصصی تلگرامی هم رهگیری کرد؟
سخن گفتن از سیاست نیاز به تخصص ندارد: هر چند که در ایران همواره می توان بدون داشتن مهارت اظهارنظر کرد، ولی گویا در مسائل سیاسی به همان اندک تخصص نیز نیازی وجود ندارد. یادش بخیر! استادی در درس جامعه شناسی سیاسی داشتیم که صریحا می گفت رانندگان تاکسی تحلیل های دقیق تری از ما دارند!! واقعیت این است که چیرگی نظریه توطئه بر بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران موجب پررونق شدن تحلیل های دائی جان ناپلئونی در ایران شده است! تازه این تحلیل های دم دستی بیشتر هم در ذهن مخاطب می نشیند و ماندگار می شود!
سیاست کانون نارسایی های ساختاری است: همه بیش و کم در ایران فهمیده اند که تا سیاست در این دیار سامان نگیرد بسیاری از امور حل و فصل نمی شود! از فساد گسترده و مناقشات جناحی بگیرید تا عدم اجماع بر سر بحران های موجود، همه و همه پیشاپیش سیاسی هستند! در حقیقت مردم این را خوب فهمیده اند که کانون بسیاری از معضلات ساختاری نوعی چالش پرهزینه سیاسی است که ترکش هایش را حوزه های دیگری مانند اقتصاد، فرهنگ و آموزش و پرورش متحمل می شوند!
سیاست گستره امکان و عرصه ای پیش بینی ناپذیر است: سیاست به تعبیر رسای ژاک دریدا عبارت از "تصمیم در شرایط عدم تصمیم" است! سیاست از محدودیت های ساختاری می گریزد و چون با سیاستمدار نسبتی محکم دارد می تواند پیش بینی ناپذیری انسان را هم از او وام بگیرد! همین است که سخن گفتن از سیاست را برای مردم جذاب می کند؛ طوماری که به تدریج گشوده می شود و امکان های جدید و غیرمنتظره خلق می کند. آن هم در کشوری که کوتاه مدت بودن ویژگی بارز عرصه سیاسی آن می باشد!
سخن از سیاست، رازگشایی از یک معما است: سیاست در ایران به دلیل پیچیدگی تاریخی، عدم شفافیت و خطراتی که برای افشاگران پشت پرده اش به همراه آورده است، همواره شگفت و هراسناک بوده است! از همین رو گفتن و شنیدن از رازهای آن نیز امری شجاعانه و جذاب تلقی می شده است! فقدان شفافیتی که نه تنها می تواند شما را از آوردن سند برای اثبات ادعاهای تان بی نیاز نماید بلکه خود می تواند سیاست را به کانونی برای تولید شایعات عجیب تبدیل کند! بگذریم از اینکه سر نخ کشف این معما در تحلیل ها نیز همواره در دستان افرادی خارج از مرزها قرار داشته است!
سخن گفتن از سیاست در جوامع بسته نوعی نمایش مقاومت است: در جوامعی که مردم از ایجاد تغییر معناداری در سرنوشت سیاسی خود محرومند سخن گفتن از سیاست چیزی بیش از یک اظهارنظر ساده می باشد! جلوه ای از مقاومت در قبال نظمی سیاسی که شهروندان را از خود بیگانه ساخته است! در چنین وضعیتی ناراضیان می کوشند که از سیاست و معماهای نامکشوف آن حساسیت زدایی کرده و هر چه بیشتر آن را مبتذل سازند. افزایش جوک های سیاسی از جمله مصادیق چنین وضعیتی هستند!

یادداشتی برای نوروز ۱۳۹۷

سی ویژگی یک شهروند مسئولیت شناس

دکتر محمود سریع القلم



۱– آینده خود را تابع تلاش و خلاقیت خود می داند؛
۲– هر کاری را با مشورت های تخصصی انجام می دهد؛
۳– از کسانی که برای مدیریت کشور انتخاب کرده در برابر قدرت و اختیاراتی که دارند، مسئولیت مطالبه می کند؛
۴– براساس نظریه سیستم ها و نگاه درازمدت به زندگی، راستگوست؛
۵– مانع رشد دیگران نمی شود: بلکه با آنها رقابت می کند؛
۶– حداقل یک ساعت در روز کتاب می خواند؛
۷– از شخصی که زیاد دروغ می گوید، فاصله می گیرد؛
۸– در انجام کارها، از توان عقلی خود، چندین برابر هوش خود بهره می گیرد؛
۹– بِه دلایل حقوقی، به شدت مراقب سخنان خود است؛
۱۰– تا از قضاوتی مطمئن نباشد، مطرح نمی کند؛
۱۱– منتظر نمی نشیند تا دیگران، گره های زندگی او را باز کنند: بلکه با ابتکار و سختکوشی، زندگی خود را مدیریت می کند؛
۱۲– رعایت حقوق مردم در جامعه را وظیفه خود می داند؛
۱۳– حداقل یک متر با فاصله از شخصی که در حال استفاده از خودپرداز بانک است، می ایستد؛
۱۴– وقتی قرار است ساعت ۸ جایی باشد، ساعت ۷:۵۰ دقیقه دَم دَر ایستاده است؛
۱۵– در قدرتَ و سمَت بیش از ۸ سال نمی ماند زیرا ۸ سال برای نوآوری حداکثری، کافی است؛
۱۶– حتی سه نصف شب و بدون آنکه دوربینی باشد، پشت چراغ قرمز می ایستد؛
۱۷– بسیار سفر می کند تا بیاموزد و بلوغ فکری و رفتاری را تجربه کند؛
۱۸– وقتی از یک خیابان فرعی به اصلی می رسد، اتومبیل خود را متوقف می کند و پس از ایمنی کامل، حرکت می کند؛
۱۹– آنقدر Search می کند تا Fact را از Propaganda تفکیک کند؛
۲۰– کوله پشتی خود را در اتوبوس و مترو در دست می گیرد تا مزاحمتی برای دیگران ایجاد نکند؛
۲۱– به دیگران القاب منتسب نمی کند: بلکه انگیزه ها و افکار آنان را تحلیل می کند؛
۲۲– از شخصی که با رانت ثروتمند شده است، فاصله می گیرد؛
۲۳– زندگی خود را مانند لوگوی المپیک در پنج دایره متداخل طراحی می کند: رشد فردی، توجه به خانواده، حرفه، افزایش سطح دانش تخصصی و خدمات مدنی؛
۲۴– فقط یک شغل دارد و وظایف آن را به بهترین نحو انجام می دهد؛
۲۵– بسیار می گوید: من نمی دانم یا این موضوع را به درستی نمی فهمم؛
۲۶– آنقدر حوصله به خرج می دهد تا موضوعی را دقیق بفهمد بعد واکنش نشان دهد؛
۲۷– دفترچه کوچکی دارد که صفحه اول آن نوشته شده: ضعفهای من و روشهای اصلاح؛
۲۸– خمیرمایه ذهنی او این گونه شکل گرفته: ۲۰ درصد اظهارنظر کردن و ۸۰ درصد سئوال کردن؛
۲۹– برای جلب اعتماد دیگران، سیگنال های متناقض نمی فرستد؛
۳۰– چون خودشناسی مقدمه توسعه یافتگی مدنی است، آنقدر از خود شناخت دارد که ۵۰ صفحه در مورد افکار و روحیات خود می تواند بنویسد.

اجتماعی ۴
شماره ۸۵۸ یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

بوشهری ها خواستار دفن شهنواز در دلوار شدند

جمعی از هنرمندان و اهالی فرهنگ و هنر استان بوشهر با انتشار بیانیه‌ای خطاب به خانواده همایون شهنواز، خواستار تدفین این هنرمند و کارگردان سریال «دلیران تنگستان» در شهر دلوار و در کنار منزل رییسعلی دلواری شدند.
به گزارش ایرنا در این بیانیه که نسخه ای از آن به ایرنا نمابر شد آمده است: با نهایت تأسف و تأثر، خبر درگذشت هنرمند ارجمند همایون شهنواز، موجی از غم و اندوه را در بین اهالی فرهنگ و هنر استان بوشهر به وجود آورد.
این بیانیه افزوده است: نقش بی‌بدیل شادروان همایون شهنواز در معرفی مبارزات ضد استعماری مردم جنوب ایران، فراموش‌شدنی نیست. شهنواز آغازگر احیا نام و یاد مردان و زنانی شد که در راه ایران فدا شده بودند و تاریخ به سهولت از نامشان می‌گذشت. نام و آوازه امروزی سران نهضت‌های ضد استعماری جنوب ایران علیه استعمار انگلیس، مدیون شهنواز و سریال ماندگار «دلیران تنگستان» است.
در ادامه بیانیه آمده است: علاقه شادروان همایون شهنواز به تاریخ و فرهنگ جنوب و استان بوشهر باعث ارتباط نزدیک و درازمدت وی با مردم این استان شد و از طرفی علاقه‌مندی و قدردانی مردم بوشهر به ایشان نیز به حدی بود که در چند مراسم ویژه به عنوان شهروند افتخاری بوشهر و تنگستان از ایشان تقدیر و تجلیل شد و همواره همایون شهنواز را به عنوان هم‌استانی خود به حساب می‌آوردند.
این بیانیه عنوان کرده است: اکنون و با عرض تسلیت مجدد به مناسبت فقدان این هنرمند گران‌ارج، از خانواده وی درخواست داریم تا با دفن پیکر آن شادروان در جوار منزل و موزه تاریخی رییسعلی دلواری در شهر دلوار ـ که یادگار رشادت‌های تاریخی مجاهدان این مرز و بوم در مقابل اشغالگران خارجی است موافقت کرده و بدین‌وسیله موجب امتنان و قدردانی مردم بوشهر را فراهم آورند.

چیره یابی زبان تازی بر پارسی و پیآمد

حیدر عرفان



پیش از این در هفته نامه انگشت نشانی-اشاره- شد که زبان تازی یکی دیگر از شاخه های سومری- فینیقی با آوردن حرب پدر ابوسفیان که استاد از سامان ایران شمال غربی (ایران/ هیره با نوشته از سوی تازیان یا عربزدگان ایرانی، می باشد.
پایان زمان یکسد و پنجاه ساله (جاهلی- جاهلیت) پیش از سرتابی اسلام نامداده شده بود. گفته اند که تا این زمان حتا نزدیک به سرتابی اسلام ۶۱۰ میلادی آمار دانش اندوختگان بسیار اندک بوده است.
حتا شاعران نامور- هفتگانه- اندک داشته یا دانش ناآموخته بودند.
با این چگونگی سروده هاشان، در خانه ی کعبه را با نام آوری (سبعه معلّقه/ هفت سروده های آویخته بر دیوار زده بودند.
آورده اند که روز قلم آغازین، ده هزار سال پیش بوده است (؟)... از این رویکرد که بگذریم اکنون سخن اینست که بارها در گفتارها و نوشتارها شنیده ام. چونکه واژه، واژگان، زبانزدها و... . آوران (وارداتی) به سرزمین های تازی، پا می گذارند یکی در زبانها جا نمی افتد. دانشگاه «الا زهر مصر» تنها گذرگاهی است که می باید آنگونه آوران ها را، پالایش کند. آنگاه به رسانه های دیداری و شنیداری در سرتاسر سرزمین تازیان بدهد تا آنان بدون چرا و چون آنها را بکار گیرند تا همه جا یکدست باشند.
می دانیم که «مصر پیشگام ادب زبان عربی» یک سرزمین آفریقایی در شمال قاره می باشد.
این سرزمین در زمان خلیفه دوم به دست مسلمانان لشکری افتاد و مسلمان شد. (به شیوه ی صلح نه عنوه). * نگاه یک خبر چهارشنبه شامگاه ۹۶/۴/۴.
آنگاه که قرآن مجید در میدان آوازه گری (تبلیغ) پا گذاشت، مردمان آنرا سخنان افسانه از پیشینیان بومی شمردند. (اساطیرالاولین)
نگارش نخستین (قرآن/ فرقان و...) با همان نشانه های الفبایی «کوفی» بود. (بی نقطه مهمل). در گذر سالهای پسین و با پا گرفتن کلام مجید در یکسد و چهارده سوره و پراکنده شدن میان مردمان آن روزگار به ویژه نومسلمانان تازی / ایرانی (پارسی) و ... اندک اندک زمینه ی دست اندازی به سرزمین های نامسلم هم آغاز شده بود.
آوازه گری برای پذیرش و گرایش نامسلمانان خودی یا همسایه، با این آماج (هدف) بود. یکی از نشانه های پذیرا شدن (تسلیم) بر پا داشتن معرفت، آگاهی- دانایی اسلامی (قرآنی- حدیث) بود. در پارچه سرزمین های نومسلم، روش «شاذ» گسترش یافته بود. از این رو یادگیری و آموزش دستورها- آیه های قرآنی و حدیث فراهم گردید. در گام نخستین پذیرایی یا تسلیم پس از شکست ناهمسو، الفبای نوشتاری کوفی، بدون نقطه بود. بدین دستاویز که فراگیری زبان دینی- مردمی با سختی همراه بود. از این رو در گذر زمان چند گونه نوشتار-خط-/ دبیره از سوی دانایان پیشنهاد شد و جا افتاد. در این رهگذر و «ابن مقله» پیشگام بود. پس از ایشان تا روزگار ما، این شیوه ی نگارش با نامهای زیر شناخته شده اند: (الفبای منقوط):
ثلث، ربُع، نسخ، تعلیق، نستعلیق، شکسته، ریحان، رقاع، معلّا، نقشی، دیوانی.
در این راستا، نوای قرائت، «لحن یا صوت» گفته می شود. افزون بر این شیوه خوانش هم با هفت روایت و آوای بلند، قرائت می شود. «صوت و روایت حجازی» از شش تای دیگر برتری دارد. همچنین نام «راویان قرائت» هفتگانه با هفت تن از پیروان هر یک را «چهارده روایت» گفته اند:
عشقت رسد به فریاد ای دل اگر چو «حافظ»
قرآن زبَر بخوانی با چارده روایت.
اما.... راهیابی دستورهای انجام دادنی و واژه- واژگان (کلمه/جمله) با شتاب در زبان پارسی- دَری نوپا، جانشین پهلوی جنوبی ساسانی (پارسیک اوستایی) پرشمار گردید. این روال وامگیری و دست پیشگیری از زبان تازی هر برهه رو به فزونی گذاشت.
رویهمرفته زبان ریشه یافته ی «سومری- پارسی» از زمانه های بسیار دور و دیر آن، وامدار سرتابی طلایه داران پارسی- ایرانی پیش از خود و سالهای پس از آن پویایی، در سرزمین های دور و نزدیک می باشد. چنانکه در آمار سرشماری دانشیان نامدار اندیشه ورز دیانتی-فرهنگی تازی را به شکوه، پویایی و پایایی رسانیده شده است.
امروزه روز جایگزین نمودن کلمه های تازی در زبان پارسی هر روزه بیشتر و بیشتر می شود. بدین نگرش که از یک واژگان سه واکی -جمله سه کلمه ای- دو تای آن تازی و یکی پارسی است. گاه می شود که کوچکترین بخش در واژگانهای برگزیده به ناچاری یا خواسته، در بکارگیری واژگان پارسی، نباشد. نمونه ی:
مجلس شورای اسلامی / وزارت صنعت و معدن و تجارت/ صدا و سیمای جمهوری اسلامی/ مؤسسه غیرانتفاعی (دروغین)/ صبح عالی متعالی! (آوای بامدادی صبح بخیر بوشهر).
نارواتر اینکه در کنار این وامگیری از زبان تازی یاریخواهی و کمک گیری و دست پیش کشی از زبان فرنگی (بیگانه) / اروپایی- آسیایی از سده ها پادار گردیده است.

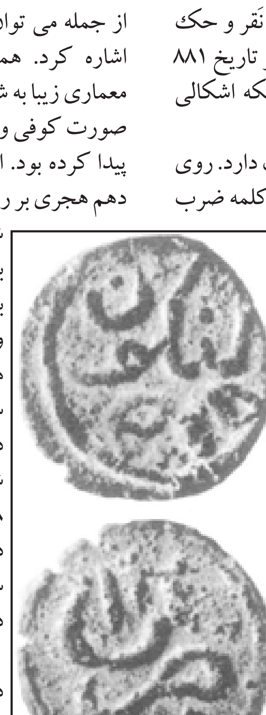


تنها بخش دوم انگلیسی به فارسی «حییم بروخیم بوشهری یهودی زاده» یا فرهنگ های جداگانه با برگردانی واژه ها بدین شیوه فراوان و نگران کننده اند. جدای از اینها واژه های تازه ی راهیافته از «رایانه/ کامپیوتر/ تلفن همراه» و مانند آنها از آمار شمارش گذشته اند.
برای آگاهی از آمارهای پرشمار واژه ی بیگانه (اروپایی) لغت نامه ی دهخدا/ فرهنگ فارسی معین/ فرهنگ بیست هزار واژگان ... ضیاءالدین هاجری برابری می شود.
سروده های پردرد و غمگنانه هشیاردهنده ی استاد بزرگ پردیسی (فردوسی) منصور حسن پارسی خراسانی- توسی- و بر منش پیشگویی شوربختی، بهترین گواهه ی (سند)، چیرگی تازیان بر پارسیان را به گفتار خویش انگشت نما می شویم. باداکه این غمنامه ی «رستم فرخزاد به برادرش» پندی بیدارکننده برای خواننده و پژوهشنده ی دلسوز در گذار امروزی باشد!!
اما در شاهنامه فردوسی دیباچه آمده:
«... پهلوی زبان رسمی سراسر امپراتوری ایران بود. گلبانگ دانشجویان پارسی بود. که از آمیزه نژادها و زبان های سامی و پارسی در بین النهرین «میانرودان/ میافارقین/ دجله و فرات» بوجود آمده، زبان ویژه ی مرزنشینان بود. چنانکه از نامش پیداست پهلوی از آنرو زبان رسمی شده بود که ماجراهای سیاسی از قرن ها پیش امپراتوری را به نماد ایالت ها آورده بود که پهلوی زبان متداول آن سامان بود...
(ژول مول فرانسه ای/ چاپ چهارم/ شرکت سهامی کتابهای جیبی تهران ۱۳۶۹)
استاد نامیاد در پایه و تراز دانشیان جهانی، با آگاهی داشتن از چند زبان زنده، «دکتر حسن ناصر صاحب الزمانی» می فرمودند که از واژه های آوران (وارداتی) را من پارسی نویسی می کنم.
برای نمونه واژه «ریکرد (rikeard) بومی جنوبی را به نام خویش رویکرد می فرمودند بدین سخن که این گونه واژه ها ساخته ی خودشان است.
پیداست که زبان برخاسته از پارسی باستان و میانه تا پس از آن هم روزگار پارسی دَری از سامان پارس (دشتستان /استان کنونی بوشهر) جاوار کیانیان -پارسیان است.
در شهر تبریز (کنگره جهانی نظامی گنجه ای پارسی زاد) به استاد سالهای دیر شناخته دکتر «سلیم نیساری» شنیدم که در سخنرانی خویش سروده ی حافظ را بازنما شدند که:
روانها تیره شد باشد که از غیب / چراغی بَر کند خلوت نشینی
بدین نکته که برکند، که فتیله را بالا کشیدن باشد.
من این فرموده را یادداشت کردم. در پایان سخنرانی و برچیده شدن نشست (کنگره) پیش ایشان آمده، گفتم. بَر کردن چراغ، کاربرد خُرند نیست. بر کردن (berr) درست است چنان که در سروده دیگر حافظ بارها شنیده ایم که:
کشتی شکستگانیم ای باد شَرته برخیز/ باشد که باز بینیم دیدار آشنا را
نام درست این باد «شَرته / شَرتا/ شَرتَو» می باشد.
ایشان با شگفتی و پرسش کنان خواستند که ریشه ایندو واژه را خود بگویم.
باز نمودم که شرته یا ... بادِ آرام بر روی آب دریاست که شناور را سلامتَ به ایستگاه (اسکله/ اسلو) می رساند.
سرانجام و برآیند سخن رواداری این است که پنج گفتار هم پایه، پیوسته و همریشه ی (تنگستانی- دشتیاتی-جمی پردیسی-دشتستانی=لِری) زبان نژاده ی (پارسی- دری) را به پایایی و بختیاری رسانیده است. باشد که روزی و بزودی زبان های بیگانه ی چرکین یورشی دور و نزدیک از این پدیده پا بکشد و به فروافتی برسد.

سکه ضرب «کنگون» در قرن نهم هجری

سیدقاسم یاحسینی(پژوهشگر و مورخ) ـ سیدمحمدعلی موسوی (سکه شناس و سکه پژوه)

تاریخ ضرابخانه و ضرب سکه در بندر کنگان به درستی مورد مطالعه و پژوهش همه جانبه و کامل قرار نگرفته و سکه هایی که تاکنون در این بندر جنوبی ایران در خلیج فارس ضرب شده، حتی چندان شناخته و معرفی نشده است. تنها مطالعه کوتاه و اولیه در این باب در ایران، مطالعات دکتر مرتضی قاسم بگلو (مرتضی قاسم بگلو، ۱۳۸۵، ص ص۳۵ـ۳۱ و ۱۳۰ـ۱۲۷) و سیدقاسم یاحسینی هستند. (سیدقاسم یاحسینی، ۱۳۹۲، ص ص۵۶ـ۵۴). در پرتو کشفیات و اطلاعات جدیدی که در چند سال اخیر به دست آمده، جا دارد مطالعه ای موردی در این باب انجام شود.
«بلوک کنگان»، به تعبیر منابع عصر قاجار، یا همان بندرکنگان در منطقه گرمسیرات و جنوب غربی ایران و در استان بوشهر قرار دارد. (حسینی فسایی، ج۲ ص ص۱۴۶۴ـ۱۴۲۶) این بندر، تاریخی بسیار دراز و قدیمی دارد. وجود آثار باستانی متعدد، پیشینه باستانی و تاریخی این بندر را به هزاران سال پیش باز می گرداند. (رستگار،۱۳۹۲.)
در الواح کشف شده در تخت جمشید که به خط ایلامی هستند، در چندین لوح به روستایی به نام «کوکانّکان» در پارسه (فارس) اشاره شده که املاکی از «آرتیستونه»، همسر سوگلی داریوش پادشاه هخامنشی، در آن قرار داشته است. (ماریا بروسیوس، ص-ص۱۷۰،۶۹ـ۱۶۹). آیا می توان حدس زد که «کوکانّکان» همان کنگان بوده است؟ پژوهش مستقلی در این باب باید انجام شود. (یاحسینی، در دست انتشار.)
برخی از مورخان و پژوهشگران ایرانی، از جمله نخستین آنان محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب «مرآت البلدان» کلمه «کوگانا» کاربرده شده در سفرنامه نئارخوس، سردار سپاه اسکندر مقدونی که سفری اکتشافی به کرانه های خلیج فارس داشته است، را با بندر کنگان منطبق دانسته اند. (اعتمادالسلطنه،ج۱،ص)
اگرچه در چند سال اخیر، مطالعاتی در باب تاریخ و جغرافیای کنگان صورت گرفته است، (بیاد ۱۳۸۴، طاهری، ۱۳۸۸، رستگار ۱۳۹۲) اما به تصریح همان پژوهشگران، تاریخ بندر کنگان از گذشته های دور تا عصر صفویه و حتی پس از آن، تاریخی تقریباً روایت ناشده است و نقاط ابهام و تاریک بسیاری دارد.(طاهری، ص۱۵۲).
پرسش این است که آیا بندر کنگان در عصر پیش از صفویه، بندری آباد و پر رونق بوده است؟
به خاطر فقدان مدارک باستان شناختی و همچنین سکوت منابع تاریخی، تا امروز حتی نمی توانستیم به اجمال به این پرسش پاسخی متقن و مستدل بدادیم، اما کشف اتفاقی دو سکه مسی در اوایل دهه نود شمسی، شاید بتواند پرتوی، هر چند اندک، بر این تاریکی تاریخی بیندازد و موضوعات جالبی در باب تاریخ کنگان، وجود ضرابخانه و ضرب سکه و اوضاع تجاری این بندر در قرن هشتم هجری و در عصر حکومت آل مظفری و ایلخانیان را روشن کند. (برای آگاهی عمومی از تاریخ این دوره، نگ: ترجمه تاریخ کمبریج، دورۀ تیموریان، ۱۳۷۹).
دو سکه مورد نظر، برای نخستین بار در حوالی سال ۱۳۹۰ در دو دست فروشی در تهران توسط دو مجموعه دار خصوصی خریداری شدند. این دو سکه مسی، بسیار کمیاب بوده و تا آنجا که اطلاع داریم، تا امروز در هیچکدام از منابع سکه شناسی و سایت های اینترنتی ایرانی و خارجی شناسایی و معرفی نشده است. تا امروز از این دو سکه مسی بسیار نایاب نمونه مشابه دیگری یافت و یا دست کم معرفی نشده است. این دو سکه در حال حاضر در کلکسیون دو مجموعه دار خصوصی در تهران نگهداری می شوند. به تقاضای ما، ایشان لطف کردند و عکس هایی از سکه های نایاب خود را برای استفاده ما در این نوشته، تهیه و در اختیارمان قرار دادند. (این دو مجموعه دار بنا به دلایلی مایل به افشای نامشان نیستند. از لطفشان ممنون هستیم.)
این دو سکه را به ترتیب «سکه الف» و «سکه ب» می نامیم.
روی سکه مسی الف کلمه «ضرب کنگون» نَقر و حک شده است. روی سکه و زیر کلمه «ضرب» نیز تاریخ ۸۸۱ به صورت وارو ضرب شده است. پشت سکه اشکالی هندسی شبیه ستاره داوود ضرب شده است.
سکه مسی ب نیز طرحی شبیه سکه مسی الف دارد. روی سکه «ضرب کنگون» به چشم میخورد. زیر کلمه ضرب عدد۸۸۱ ضرب شده است. پس سکه نیز ستاره داوود ضرب شده است. ستاره داوود سکه ب نسبت به سکه الف، وضع بهتر و واضح تری دارد.
اما نکته جالب این که با وجودی که دو سکه با دو سرسکه متفاوت ضرب شده، تقریباً طرح واحدی دارند و عجیب این که اعدادی که روی هر دو ضرب شده، یکی می باشد، یعنی هر دو احتمالاً در سال ۸۸۱ هجری قمری/۱۴۷۶میلادی در ضرابخانه بندر کنگون ضرب شده اند.
چرا این سال؟ شکل و شمایل سکه های «ضرب کنگون»، بیشتر به سکه های ضرب قرن نهم هجری شباهت دارد. لازم به یادآوری است که در قرن هشتم و نهم هجری قمری هنوز کلمه «فلوس» بر مسکوکات مسی مناطق جنوب ایران مستدل و رایج نشده و به سبک سکه های مسین متأخر، فقط به کلمه ضرب و نام محل ضرب بسنده می کردند. ما چنین رفتاری را در ضرب سکه های شهرهای ایران در آن زمان شاهد هستیم.
علاوه بر این نقش ستاره داوود در پشت دو سکه ضرب کنگون جالب توجه است؛ ستاره داوود از دوره ایلخانیان بر روی سکه های مسی متعدد ایلخانیان آمده است که از جمله می توان به سکه های ضرب شهرهای مختلف اشاره کرد. همچنین در همین دوره نوعی تزیینات معماری زیبا به شیوه کوفی مزهر، که اکثر کلمات زیبا به صورت کوفی و در قالب ستاره داوود می آوردند، رواج پیدا کرده بود. این قبیل طرحهای هندسی تا اوایل قرن دهم هجری بر روی سکه های مسی در بعضی از مناطق و شهرهای ایران، از جمله شهر یزد، مرسوم بوده است.



دو نمونه سکه ضرب کنگون در عصر قاجار

با عنایت به این که سبک هنری و نگارش و خط روی سکه ها متعلق به قرن نهم هجری است، علی القاعده باید این دو سکه مسی در سال ۸۸۱ هـ.ق./۱۴۷۶م. در بندرکنگون ضرب شده باشند. شاید تصور شود که سکه ها در سال ۱۱۱۸هجری قمری/ ۱۷۰۶میلادی و در عصر صفوی ضرب شده باشند، اما سبک و سیاق هر دو سکه مطلقاً به این دوره نمی خورند و به نظر ما همان تاریخ ۸۸۱ هـ.ق. درست است.
در باب این دو سکه مسی ضرب گنگون در سال ۸۸۱ هـ.ق./۱۴۷۶م. چند نکته جامعه شناختی، تاریخی، تجاری، هنری و سکه شناسی وجود دارد که در نگارش تاریخ این بندر در این قرن شاید کاربرد داشته باشد:
۱ـ در قرن نهم هجری این بندر را «کنگون» می نامیده اند. در برخی از منابع اروپایی نیز کلمه «کنگون» ضبط شده است.(ترجمه وادالا، ۱۳۶۴، ص ۴۱ و ص۱۳۳) حتی در بسیاری از سکه هایی که در عصر قاجار در این بندر ضرب شده کلمه «کنگون» به چشم می خورد. (قاسم بگلو، ص۱۳۰). در حال حاضر نیز در گویش محلی مردم محل، این شهر را همچنان کنگون می نامند. بنابراین نام «کنگان» باید نامی متأخر بوده باشد.
۲ـ پژوهشگرانی چون ادوارد فون زامبارد و عبدالله عقیلی، که درباره ضرابخانه ها و دارالضرب های ایران پژوهش های عمیقی کرده اند، و حتی عمر دیلز در کتاب «ضرابخانه های اسلامی» که به سال ۲۰۰۹م./۱۳۸۷شمسی در استانبول به دو زبان ترکی و انگلیسی و پس از مرگ مؤلف منتشر شد، در آثار خود هیچ اشاره ای به وجود ضرابخانه در بندر کنگون/کنگان نکرده اند.(عبدالله عقیلی، ۱۳۷۷) حال آن که دست کم در قرن نهم هجری و در اوایل عصر تیموری بندر کنگون ضرابخانه و سرسکه زن داشته است.
۳ـ از ظاهر این دو سکه مسی چنین پیداست که رشد هنری، به خصوص هنر سرسکه زنی در کنگون در اواخر قرن نهم هجری، چندان پیشرفته نبوده و سرسکه زن این شهر، که البته نامش را نمی دانیم، در کارش مهارت چندانی نداشته است. آیا بومی بوده یا از جای دیگری(فارس یا بصره؟) آمده بوده است؟
۴ـاقتصاد تجاری و گردش مالی خوبی در بازار کنگون در اواخر قرن نهم هجری و همزمان با عصر تیموری، وجود داشته است. این گردش مالی و پولی چنان رونقی داشته که بازار محلی نیاز به ضرب سکه اختصاصی و محلی داشته است.
۵ـ چنان که می دانیم از دیرباز اقلیتی یهودی در مناطقی چون بندر کنگان، شیبکوه، دهنو، کلات و... ساکن بوده اند. (طاهری، ص ص۲۰۳ـ۲۰۲). آیا می توان بین ضرب ستاره داوود، نشان اختصاصی یهودیان، پشت این دو سکه مسی و حضور اقلیت یهودی، که به هر حال در بازار و اقتصاد محلی کنگان احتمالاً فعّال بودند، نسبتی برقرار کرد؟ این نکته را باید در نظر داشت که در دیگر شهرهای ایران در آن عصر نیز، ضرب ستاره امری نسبتاً رایج بوده و از این روی نمی تواند چندان به یهود و ستاره داوود ارتباط داشته باشد. با این وجود در این باره باید پژوهش بیشتری با تکیه بر تاریخ حضور یهودیان در جنوب غرب ایران و علی الخصوص بندرکنگون انجام شود.
باید به این نکته تاریخی و سکه شناسی نیز اشاره کرد که ضرابخانه بندر کنگون تا عصر قاجار و فتح علی شاه تا حکومت ناصرالدین شاه همچنان فعّال بوده است. دیوید وایتهاوس، باستان شناس و سیراف شناس مشهور، در نیمه اول دهه هفتاد قرن بیستم میلادی/ نیمه اول دهه پنجاه شمسی، در چند فصلی که برای نقبزنی و حفاری های باستان شناختی به سیراف و کنگان رفته بود، سکه های مسی متعددی ضرب کنگون (شانزده سکه) در عصر قاجار، فاصله سال های ۱۲۳۱تا ۱۲۸۹هـ.ق./ ۱۸۱۶ تا ۱۸۷۲م. کشف و با خود به غرب برده است. این سکه ها در سال ۱۹۹۳م./ ۱۳۷۱ش. توسط استفن آلبوم معرفی شدند و دکتر قاسم بگلو نیز آنها را در کتاب خود آورد. (مرتضی قاسم بگلو، صص۱۳۰ـ۱۲۷). استفن آلبوم یادآور شده که سکه های ضرب کنگون/کنگان «فوق العاده کمیاب» هستند. (همان،ص۳۳).
همچنین شیخ مذکور کنگونی نیز در ماجرای قیام و شورش محلی خود، حد حدود سال های ۱۲۹۵هـ ق. به بعد، درعصر ناصری سکه ای به نام خود ضرب کرده که در برخی تواریخ محلی، اشاراتی به آن شده است. (یاحسینی، ص۵۶ـ۵۵، بیاد، ص۲۹).
در یک تحلیل و جمع بندی کلی می توان با تکیه بر سکه ضرب کنگون در سال ۸۸۱ هجری قمری/ ۱۴۷۶میلادی چنین دریافت و تحلیل کرد که: بندر کنگان در اواخر قرن نهم هجری بندر آباد، با بازار محلی پر رونق بوده و ضرابخانه داشته و در آن سکه ضرب می شده است.



روی سکه ضرب کنگان در سال ۸۸۱هجری قمری



پشت سکه ضرب کنگان با شکل شبیه به ستاره داوود

منابع و مآخذ
ـ اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مرآت البلدان، به کوشش، عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران۱۳۶۷،ج۱.
ـ بیاد،علی،آشنایی با فرهنگ و ادبیات شهرستان کنگان، انتشارات ایلاف، چاپ اول، شیراز ۱۳۸۵.
ـ پژوهشی از دانشگاه کمبریج، تاریخ ایران، دورۀ تیموریان، ترجمۀ، دکتر یعقوب آژند، نشر جامی، چاپ اول، تهران۱۳۷۹.
ـ بروسیوس، ماریا، زنان هخامنشی، ترجمۀ، هایده مشایخ، انتشارات هرمس، چاپ سوم،۱۳۸۷.
ـ حسینی فسایی، میرزا حسن، فارسنامه ناصری، به کوشش، دکترمنصور رستگار فسایی، امیرکبیر، چاپ اول، تهران۲،۱۳۶۷ج.
ـ رستگار، زکریا، کنگان؛ تاریخ،سرزمین، فرهنگ، انتشارات آبتین نگار و انتشارات آشتیانی، چاپ اول، تهران۱۳۹۲.
ـ طاهری، رضا، از مروارید تا نفت؛ تاریخ خلیج فارس(از بندر سیراف تا کنگان و عسلویه)، انتشارات داستانسرا، چاپ اول، تهران ۱۳۸۸.
ـ عقیلی، عبدالله، دارالضرب های ایران در دوره اسلامی، بنیاد موقوفات دکترمحمود افشاریزدی، چاپ اول، تهران۱۳۷۷.
ـ قاسم بگلو، مرتضی، سکه های سیراف، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایرانشناسی ـ شعبه بوشهر، چاپ اول، تهران ۱۳۸۵.
ـ وادالار، خلیج فارس در عصر استعمار، ترجمۀ، شفیع جوادی، سحاب کتاب، چاپ دوم، تهران۱۳۶۴.
ـ یاحسینی، سیدقاسم، ضرابخانه ها و سکه های ضرب بوشهر، دانشنامه استان بوشهر، حوزه هنری بوشهر و انتشارات صحیفه-خرد، چاپ اول، بوشهر۱۳۹۲.
ـ سیدقاسم یاحسینی، سرآغاز تاریخ بندر کنگان (در دست انتشار).

یادنامه
شماره ۸۵۸ یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

گفت‌وشنود با همایون شهنواز، کارگردان دلیران تنگستان

از خودم پرسیدم همه رفتند، پس تو چرا ماندی

سریال «دلیران تنگستان» که داستانش پیرامون رئیس‌علی دلواری و قیام جنوب شکل گرفته، تنها سریال تولید قبل از انقلاب است که همچنان از شبکه‌های داخلی تلویزیون پخش می‌شود و به نوعی پرچم‌دار حفظ یاد و خاطره دلیران جنوب است. آنچه می‌خوانید حاصل گفت‌وگوی علی شیرازی (منتقد سینما و تلویزیون) با همایون شهنواز (کارگردان این مجموعه تلویزیونی) است.

– چه شد که موضوع رئیس‌علی دلواری را برای ساخت سریال انتخاب کردید؟

– من زیاد اشتیاق به مصاحبه و گفت و گو دربارهٔ کارهای خودم ندارم، به‌ویژه درباره دلیران تنگستان و رئیس‌علی. در واقع رفتاری که با اثر من و مجموعهٔ دلیران تنگستان شد، همیشه باعث اندوه و حسرتم بوده است. ممکن است باور نکنید، ولی بعد از انقلاب سال ۱۳۵۹، تا دیدم سریال از سیما پخش می‌شود و بخش‌هایی از آن سانسور شده و حتی اسمم را به عنوان پژوهش‌گر و نویسندهٔ فیلم‌نامه و کارگردان از ابتدا و انتهای آن حذف کرده‌اند، رغبتی نداشتم سریال را ببینم ولی از جهتی خوشحالم که در یاد و خاطرهٔ مردم باقی مانده و سعادت یافتم تا اثری پدید آورم که نه فقط با ذهن مردم، بلکه با قلب مردم بوشهر و جنوب و حتی مردم سراسر ایران ارتباط برقرار کرده است. البته این توفیق حاصل همکاری بسیار صمیمانه تمامی افرادی بود که در آن شرایط سخت که ما یکی از اولین سریال‌های تاریخ تلویزیون ایران را می‌ساختیم به من نهایت لطف را ابراز داشتند.

از بازیگر اوّل سریال گرفته تا مردم محلّی به ویژه آدم‌هایی که در جایگاه سیاهی لشکر و به نقش تفنگچی پیش می‌آمدند و بعد به حدی شور و اشتیاق داشتند و صمیمانه کار می‌کردند که من نقش‌های بالاتری به آنان می‌دادم. آن چه امروز برای مردم دلنشین است، همین وجود و حضور و جلوهٔ واقعی این افراد است که در سریال، وقتی تفنگ را به سینهٔ خود فشار می‌دهند و پشت آن نخل باغ‌های بوشهر می‌ایستند، حس می‌کنیم که واقعاً با دشمن مبارزه می‌کند.

به هر حال آن‌چه باعث شد من به موضوع ماجرای نهضت مردم جنوب علاقه‌مند شوم، در واقع یک اتفاق خیلی ساده بود که ممکن بود اصلاً رخ ندهد. من دانشجوی رشته حقوق سیاسی دانشگاه تهران بودم. در آن زمان رهبران نهضت‌های ضد استعماری آفریقا و آسیا جذابیت خاصی داشتند و برای جوانان آن دوره قهرمان دنیا محسوب می‌شدند. چه‌گوارا هم همین موقعیت را داشت و هنوز داراست و دیدیم که فیلمی نیز دربارهٔ او ساختند. شخصیتی که من آن وقت درباره او تحقیق می‌کردم، پاتریس لومومبا رهبر نهضت مردم کنگو بود که به دست کمپانی‌ها و شرکت‌های چندملیتی که کنگو را غارت می‌کردند کشته شد.

حین تحقیق درباره او در کتاب‌فروشی‌های روبه‌روی دانشگاه تهران یکی دو کتاب درباره‌اش پیدا کردم. قرار بود رساله‌ای دربارهٔ لومومبا بنویسم و چون حقوق سیاسی می‌خواندم، می‌خواستم دربارهٔ چگونگی و سیر تحول نهضت کنگو به رهبری لومومبا و اخراج بلژیکی‌ها تحقیق کنم. به طور اتفاقی در ردیف کتاب‌ها چشمم به کتابی برخورد به نام «دلیران تنگستانی» نوشته رکن‌زادهٔ آدمیت.

از اسم کتاب خوشم آمد چون آهنگین بود. سرسری نگاهی کردم، آن را خریدم و به خانه برگشتم. پدرم که سنی از او گذشته بود و کمتر بیرون می‌رفت، وقتی به خانه برمی‌گشتیم از ما درباره اوضاع بیرون سؤال می‌کرد. آن روز پرسید چه کتابی خریده‌ای و من «دلیران تنگستانی» را به او نشان دادم. به محض این که نام کتاب و نویسنده‌اش را دید، گفت رکن‌زادهٔ آدمیت دوست من است، می‌خواهم او را ببینم. ناشر کتاب، انتشارات اقبال بود. با آن‌جا تماس گرفتم و خلاصه، پس از دو سه روز دوندگی آدرس و تلفن منزل آقای آدمیت را پیدا کردم. بعد با ایشان قراری گذاشتم و همراه پدر به خدمتش رفتیم.

– این ملاقات مربوط به چه سالی بود؟

– سال ۱۳۴۸. آقای آدمیت یک سال بعد فوت کرد. پدرم حدود هشتاد سال داشت و او از پدرم پیرتر بود. منزل آدمیت در یکی از کوچه پس کوچه‌های خیابان کوروش کبیر سابق و شریعتی فعلی بود.

خانه‌ای بود بسیار معمولی. زمانی که رفتیم فصل پاییز بود و هوا سرد. گمانم آذرماه بود. آدمیت در یک اتاق کوچک نشسته بود. یک بخاری دستی نفتی هم روشن بود که از بوی نفت آن احساس خفگی به آدم دست می‌داد و گرمایی هم نداشت. یک میز کوچک جلوی او قرار داشت، دور و برش پر از دفتر و کاغذ بود. وقتی وارد شدیم و با پدرم رو در رو شدند، همدیگر را در آغوش گرفتند و نجواهای خاص خودشان را داشتند. هیچ وقت آن لحظه را فراموش نمی‌کنم که چگونه اشک ریختند و چه خاطراتی که بازگو نکردند، آن هم با چه بیانی! ای کاش دوربینی می‌داشتم و از آن لحظات ناب فیلم می‌گرفتم.

در آن جلسه پدرم به آقای آدمیت گفت که من – یعنی پسرش – در انگلیس درس سینما و فیلم‌سازی خوانده و ایشان هم خیلی استقبال کرد.

– ساخت سریال از روی کتاب، ایدهٔ پدرتان بود یا فکر خود شما؟

– ایدهٔ خود من بود. آدمی پر از آرزو است و ذهن من هم پر از فیلم‌های نساخته که «دلیران تنگستان» فقط یکی از آن‌ها بود. وقتی به پدرم ماجرا را گفتم، گفت او آشنای قدیمی من است، با هم آن‌جا می‌رویم، با خودش صحبت کن. وقتی پدرم مسأله را گفت و نظر او را جویا شد، آقای آدمیت حرفی به من زد که هنوز در خاطر دارم. گفت: این مبارزان با دست خالی با انگلیسی‌ها جنگیدند و جنگ هم این گونه نبود که اگر رئیس‌علی کشته شود ماجرا توقف پیدا کند، بلکه آتش یک نهضت بود که شعله‌ور شد و شعله‌اش جاودان ماند و موجب حفظ استقلال ایران در گذشته و حال و آینده خواهد بود.

نظر او درباره ساختن «دلیران تنگستان» مساعد بود حتی گفت خیلی عالی است که این کار انجام شود. در اصل هم ما به این افراد شجاع مدیونیم و اگر امروز با هواپیما وارد بوشهر می‌شویم و به ویزا و پاسپورت و اجازه ورود و اقامت نیاز نداریم و آنجا هنوز بخشی از ایران است، نتیجه همت، تلاش و کوشش آن‌ها بوده است.

آدمیّت حرف جالبی هم زد که آن موقع نمی‌فهمیدم منظورش چیست. می‌گفت: «آن‌ها دست‌شان از خاک بیرون است». این حرف خیلی روی من اثر گذاشت. پرسیدم منظورتان چیست؟ گفت: «یعنی هر چند زیر خاک خفته‌اند ولی با دست‌شان اشاره می‌کنند که راه ما را ادامه دهید». جالب این که چندی قبل به من خبر دادند که عده‌ای از بوشهر آمده‌اند و خواهان ملاقات با شمایند. بعد از یکی دو ساعت، خود را به منزل رساندم و دیدم چند نفر پشت در منتظرند. با شرمندگی در را باز کردم و به اتفاق آن‌ها وارد منزل شدیم. پس از گفت و گوی زیاد، یکی از آن‌ها که جانباز جنگ تحمیلی عراق بود و در روز چهارم نبرد در جبههٔ خرمشهر یک پایش را به‌طور کلی و پای دیگرش را از زانو به پایین از دست داده بود، چند قطعه شعر خواند که تعبیر «دستش از خاک بیرون است» را آن‌جا هم شنیدم، مخاطب شعر او هم مِن ناقابل بودم:

تا که تاریخ است در اذهان بمانَد یادِ تو
از دل این حق‌شناسان کی روی در این دیار؟
آن شهید خفته در خاک نجف رئیس‌علی
گشته است با تربت مولا مزارش همجوار
گرچه پنهان است عطر جسم پاک او ولی
«تا ابد بیرون بماند دستش از این خاکسار»

این جمله، همان حرفی است که آقای آدمیت گفته بود. و ادامه شعر:

این ندا سر می‌دهند یاران او در روزگار
ما طلبکاران تاریخیم تا روز قرار...

نام شاعر این ابیات، محمود یوسفی است. وقتی معنی این حرف را از آقای آدمیت سؤال کرده بودم، گفته بود «جسمش زیر خاک پوسیده ولی دستش به عنوان یک رهنمود، به آینده و به ادامهٔ راه آن‌ها اشاره می‌کند، این که ما را دریابید و آنچه شروع کردیم، شما ادامه دهید».

به هر حال خلاصه‌ای از آن داستان برای تبدیل به سریال نوشتم و به تلویزیون رفتم. آنجا با زنده‌یاد فریدون رهنما که مردی بسیار فرهیخته، شاعر و فیلم‌ساز بود، موضوع را در میان گذاشتم. رهنما شاهنامه و تاریخ ایران را به‌خوبی می‌شناخت و انسان ایران‌دوستی بود. او را که از قصدم مطلع کردم، طرح نوشت را از من گرفت و بعد از مدتی گفت که آقای قطبی [رئیس وقت سازمان] گفته اگر فیلمی براساس این طرح ساخته شود خیلی خوب است، ولی باید بدانیم چه امکاناتی می‌خواهد. البته این را هم اضافه کنم که شرایط خاص آن روزها نیز در موافقت مقامات با اجرای این طرح تأثیر داشت.

– آن موقع هزینهٔ یک فیلم سینمایی چقدر بود؟

– بین یکصد تا یکصد و بیست هزار تومان.

–بعد هزینه را گرفتید و کار را شروع کردید؟

– نه، در این اثنا طرح ما گم شد. کم‌کم متوجه شدم که چه شده است. متأسفانه این‌جا اگر کسی بخواهد کاری انجام دهد، دیگران به جای آن‌که کمکش کنند چوب لای چرخ او می‌گذارند. یکی از دلایل عدم پیشرفت کارهای ما همین است. مثلاً آقای آزمایش که یک صنعتگر بود کارخانه یخچال‌سازی آزمایش را راه انداخت. من یک یخچال آزمایش به قیمت سیصد و پنجاه تومان خریدم که هنوز به خوبی کار می‌کند، ولی یک یخچال بوش آلمانی داشتم که سوخت. بعدها کارخانه او را گرفتند و پس از مدتی که برگشت، دیگر کاری از پیش نبرد.

خلاصه این که طرح من هم گم شد. بعد از پیگیری زیاد، آن را در کشوی یکی از معاونین پیدا کردم و بالاخره به عنوان اولین سریال سفارش رادیو و تلویزیون آن موقع، برای اجرا به آقای ملک‌ساسان ویسی، رئیس سازمان تِل‌فیلم که بعدها نامش به سیما فیلم تغییر یافت، محول شد و من برای بازبینی مکان‌های فیلمبرداری به بوشهر رفتم. بعد که شرایط فراهم شد، با گروهی شش نفره برای تحقیق به بوشهر سفر کردیم که از میان آن‌ها فقط نام‌های خانم پارسی‌پور، فرناز بهزادی – طراح لباس– و مهدی حسابی – فیلمبردار– را به یاد دارم. ما نه‌تنها به بوشهر بلکه به تمام مناطقی که سرداران جنوب زندگی می‌کردند رفتیم.

یادم است که خانم بدرالملوک تنگستانی از بازماندگان باقرخان و احمدخان تنگستانی هم ما را همراهی می‌کرد و با کمک و راهنمایی ایشان به دیدار بازماندگان خوانین و برخی از مبارزان و سرداران رفتیم. به دلوار و اهرم تنگستان نیز رفتیم و همین‌طور قلعه شنبه که در آن‌جا با غلام رزمی، یاغی دوران شاه ملاقات کردیم. با داراب‌خان منصوری و محمدخان امیرعضدی فرزند برومند ناصردیوان کازرونی هم دیدار کردیم

از طرف مناطق غربی بوشهر هم تا بندرهای دیلم، گناوه، ریگ و قلعه امام‌حسن هم رفتیم. این مسافرت برای من اهمیت زیادی داشت. لوکیشن‌ها را در همان مکان‌های تاریخی و تقریباً با توجه به این که چندان تغییری نسبت به گذشته نکرده بودند – با همان حال و هوا – انتخاب کردم. بعضی از آدم‌ها، بازماندهٔ زمان رئیس‌علی بودند. از جمله مردی بود به نام خورشید که وقتی حرف می‌زد و تعریف می‌کرد خیلی روی من تأثیر می‌گذاشت. حاصل آن سفر گردآوری اسناد و مدارک بود. من تا آن روز به بوشهر نرفته بودم و در آن فرصت این شهر را شناختم. سفر پانزده روز طول کشید. ابتدا به بوشهر رفتیم و بعد به سمت مُند حرکت کردیم. با قایق از رودخانهٔ مُند گذشتیم چون پلی در کار نبود. یک جاده خاکی سخت‌گذر بود و به ندرت ماشین رد می‌شد. رفتیم بندر دیر و طاهری تا گاوبندی. قسمت یکم تا سوم سریال در قلعه نصوری در بندر طاهری و ساحل و نخلستان‌های بندر دیر و کنگان فیلم‌برداری شد. خلاصه، بعد از این سفر، فیلم‌نامه را تکمیل کردیم. با اطلاعاتی که از کتاب و گفت‌وگو با آقای آدمیت و این سفر به دست آورده بودم، کار و ایده‌ام تکمیل شد. این سفر مرا خیلی تحت تأثیر قرار داد و به آن حال و هوا برد، چون بوشهر هنوز دست نخورده بود و با بوشهر امروزی زمین تا آسمان تفاوت داشت.

بعد از این که فیلم‌نامه را تکمیل کردم، با آقای آدمیت قرار گذاشتم و با هم به محضر رفتیم و مبلغ ده هزار تومان به او دادم و امتیاز داستان کتاب را برای تلویزیون خریدم. هر چند که آن موقع این چیزها باب نبود. یادم است که آدمیت گفت: من این همه کار کرده و تا به حال چنین مبلغی نگرفته بودم. پس از آن به فکر تهیه امکانات افتادیم؛ یعنی انتخاب بازیگر و آکسسوار صحنه افتادیم که کاملاً انجام شد. دستیاران و همکاران من آقایان ابراهیم [خسرو] مختاری، احمد سلیمانی، نایینی، خانم شهلا اعتدالی و خانم زهرا کاظمی به همراه همسرش هاشمی بودند. مرحوم فرهنگ معیریِ گریمور، آقای عبدالله اسکندری و بهرام‌پور و خیلی‌هایِ دیگر هم بودند دربارهٔ صدابرداری هم باید توضیح دهم که صدابرداری این سریال، سر صحنه نبود و دوبله شده بود. مدیر دوبلاژ من آقای هوشنگ لطیف‌پور بود، که چند سال پیش او را در کانادا دیدم و گفت به کار دیگری مشغول است. او مرد هنرمندی است. واقعاً برای بازسازی دیالوگ‌های سریال به کارشناسی‌های بومی نیاز داشتم. زبان هر منطقه‌ای حال و فضای خاص خودش را دارد. هدفم حفظ منطق زبان منطقه بود. برای مثال؛ بوشهری‌ها از جملات کوتاه و سریع استفاده می‌کنند. کسانی مثل بیابانی و منوچهر آتشی، شاعر شوریدهٔ جنوب، مرا راهنمایی می‌کردند تا دیالوگ‌های خودم را که به زبان عادی نوشته بودم تنظیم کنم. زنده‌یاد بیابانی مدت کوتاهی در بوشهر و بعد هم تا جایی که امکان داشت در تهران با من همکاری کرد. در دوبلاژ فیلم هم از زنده‌یاد آتشی استفاده کردم.

برای عوامل فیلم کمپ درست کرده بودیم. قسمت ارتشی‌ها هم جدا بود. آن‌ها صبح‌ها شیپور می‌زدند و برنامه صبحگاهی و شب‌ها هم خاموشی در پیش داشتند. در محل استقرار خودشان تعمیرگاه کامیون و آشپزخانه و طویله و دفتر و دستک هم داشتند. حدود چهارصد سرباز و درجه‌دار از تهران و شیراز آورده بودند. نگه‌داشتن این عوامل کار آسانی نبود ولی آن‌ها با من هماهنگ بودند. برای موسیقی فیلم از آقای احمد پژمان دعوت کردم که خودش هم اهل جنوب و بستک بود. ایشان در زمینهٔ کاری خودش استاد است و موسیقی و سازهای منطقه را خوب می‌شناسد و نظر من این بود که از موسیقی و سازهای منطقه مثل دمام، سنج، نی و نی‌انبان استفاده شود که آهنگ‌ساز هم همین کار را انجام داد. اما آقای پژمان برای ساخت بخشی از موسیقی که به حضور خارجی‌ها و صحنه‌هایی از کنسولگری انگلیس، واسموس و غیره ارتباط پیدا می‌کرد، آقای علی رهبری را معرفی کرد و من هم این نظر را پسندیدم. به هر حال، مصمم بودم که این کار را انجام بدهم و خیلی هم خوش‌شانس بودم و البته جست‌وجو کردم تا همکارانی را انتخاب کنم که تا آخر راه با من باشند، هرچند بعضی از آن‌ها تا نیمه راه بیشتر نیامدند...

– در انتخاب بازیگران چه کردید؟

– بازیگران را غالباً از میان کسانی انتخاب کردم که قبل از آن خیلی کم جلوی دوربین رفته بودند. چون فکر می‌کردم بازیگری که در یک شمایل تاریخی قرار می‌گیرد، چهره و بازی‌اش باید بدیع باشد. مثلاً «مسترچیک» که آقای هایگاز استپانیان نقش او را بازی کرده است. ماجرای آشنایی من با وی خیلی جالب است و این کار باید یک طوری جفت و جور می‌شد. در خیابان شاه عباس سابق، اتومبیلم مقابل یک گالری نقاشی خاموش شد، می‌خواستم آن را هل بدهم که یک آقای قوی هیکل از گالری بیرون آمد و گفت به شما کمک می‌کنم. بعد که ماشین روشن شد برای شستن دستانم با مهربانی مرا به داخل گالری برد. ابتدا تردید داشتم ولی سر آخر به او گفتم فکر می‌کنم شما برای بازی در یکی از نَقش‌های سریال من مناسب باشید، دوست دارم از شما تست بگیرم. پرسید چه نقشی؛ که برایش توضیح دادم. گفت من در زمان انگلیسی‌ها کارمند شرکت نفت آبادان بودم. آن‌ها اخراجم کردند. من گروه تئاتر داشتم. یک سگ زشت هم داشتم که اسمش را «چرچیل» گذاشته بودم. خلاصه، ادای انگلیسی‌ها را درآورد و بعد شروع کرد به حرف‌زدن با افکت‌های مختلف. خیلی برایم جالب بود. گفتم بیا دفتر تا قرارداد بنویسیم. کل مبلغ قرارداد او هشت‌هزار تومان بود. بیشتر از یک ماه مغازه‌اش را بست و به بوشهر آمد، چون به این کار عشق می‌ورزید. کاظم افرندنیا هم جایی گفته است که اولین کاری که در آن ظاهر شده همین سریال بود. البته بازیگرانی هم داشتم که الان با حسرت از آن‌ها یاد می‌کنم؛ مثل آقای اسماعیل داورفر که واقعاً نقش حاج سید محمد کازرونی را زنده کرد.



من به این نقش این‌گونه نگاه می‌کردم که بازاری‌های آن زمان، ضمن این‌که زندگی سنتی داشتند، رفتار سنتی هم داشتند و آن رفتار، شناخته شده بود؛ مثل سکانس وضوگرفتن. از آن طرف رفتارهایی هم بود مثل اینِ‌که رئیس‌علی چطور سوار اسب می‌شد یا مثلاً در خانه چه رفتاری با همسر خودش داشته است. ما دربارهٔ بازاری‌ها شناخت بیشتری داشتیم چون فیلم بیشتری از آن‌ها ساخته شده بود. البته این شخص – سید محمد کازرونی– یک بازاری است اما فقط به فکر منافع خودش نیست و زندگی‌اش را به خاطر حمایت و پشتیبانی از نهضت مردم جنوب فدا می‌کند و در منطقه نام نیکی از خود باقی می‌گذارد.

من برای مراسم روز خلیج فارس که به آن‌جا رفته بودم دیدم دربارهٔ همین حاج سید محمدرضا کازرونی کتاب هم چاپ کرده بودند و معلوم شد که چقدر انسان خیّر و تأثیرگذاری بوده، چه کمک‌هایی به نهضت کرده و متحمل چه دردسرهایی شده است. بازیگران دیگری هم بودند که متأسفانه باید از اکثر آن‌ها با عنوان زنده‌یاد اسم ببریم. چند روز پیش آلبوم عکس‌های آن دوره را ورق می‌زدم. آن جوان‌های شاداب و خندان دیگر بین ما نیستند. از خودم پرسیدم همه رفتند، پس تو چرا ماندی، چه کار می‌خواهی بکنی؟ بهار سال ۱۳۸۷ فرهنگ معیری و اسماعیل داورفر به فاصلهٔ یکی دو ماه از دنیا رفتند. نقش‌های پدر و مادر سید مهدی بهبهانی هم که نقش او را حمید طاعتی بازی می‌کرد – و خوب هم بازی می‌کرد– پیرمرد و پیرزنی بوشهری بازی کردند. بازیگر نقش مادر خالوحسین دشتی هم بوشهری بود. نقش خورشید را هم یک بوشهری بازی کرد. من از کار این آدم‌ها بیشتر لذت می‌بردم.

– محمود جوهری را چطور پیدا کردید؟

– سر کلاس‌های مهدی فروغ در دانشکده تئاتر، چشمم به محمود جوهری افتاد و از چهره و نجابتِ نگاهش خوشم آمد. خیلی شبیه به عکس واقعی رئیس‌علی بود. وقتی به او پیشنهاد بازی دادم گفت تا به حال جلو دوربین نرفته است. پرسیدم تا به حال کار نمایش انجام داده‌ای؟ گفت با عباس جوانمرد کار کرده و «پهلوان اکبر می‌میرد» را بازی کرده‌ام، اما تا حالا جلوی دوربین بازی نکرده‌ام و این کار از من برنمی‌آید. در ادامه، زنده‌یاد دکتر فروغ به من کمک‌های زیادی کرد و توانستم از دانشکدهٔ ایشان به جز محمود حدود چهارده بازیگر انتخاب کنم.



– شما از بخشو – خواننده استخوان‌دار و مشهور جنوبی – هم در سریال در نقش خودش بازی گرفتید. درباره او بگویید.

– وقتی به بخشو گفتم می‌خواهم راجع به رئیس‌علی فیلم بسازم، با جان و دل پذیرفت. بخشو حالا بیش از سی‌وچند سال است که فوت کرده. صدایش هم روی سریال هست. می‌خواستم صدای او را ضبط کنم ولی بوشهر مرکز فرستنده تلویزیونی نداشت. می‌خواستم به شیراز ببرمش ولی استودیوی آن‌جا هم راه‌اندازی نشده بود. بالاخره با صدابردار خودم و ضبط صوت و گرفتن کمک از اتاق ضبط شیراز، بخشو را به آن‌جا بردم و یکی دو شبه همه را ضبط کردیم. هر آن چه بلد بود برای ما اجرا کرد: پرده‌خوانی، محلی، شروه‌خوانی، نوحه‌خوانی، شاهنامه‌خوانی، همه را خواند و من هم ضبط کردم.

– این آثار الان کجاست؟

– همان موقع همه را به آرشیو تلویزیون دادم، اگر حساب و کتابی در کار باشد باید موجود باشد. آقای محمود یوسفی شاعر هم لطفی کرد و یک نوار برایم آورد که می‌گفت آن را از شیراز و جاهای دیگر ضبط کرده‌ایم، صدای بخشو بود. خلاصه این که خود بخشو نقش خودش را اجرا کرد؛ کسی که می‌خواند و همه پروانه‌وار دور او جمع می‌شوند. بخشو کسی بود که به او یکصد هزار تومان می‌پرداختند تا در دههٔ عاشورا در آبادان بخواند، از آن طرف هم بوشهری‌ها می‌گفتند ما یکصد و بیست هزار تومان به تو می‌دهیم. آن موقع حتی معروف‌ترین خواننده‌ها نیز چنین پولی دریافت نمی‌کردند. من به منزل بخشو هم رفته بودم، او انسان خیّری بود و زندگی بسیار ساده‌ای داشت و رانندگی می‌کرد. یک ماشین آریا داشت و پول‌هایی را که درمی‌آورد، خرج خانواده‌هایی می‌کرد که تحت سرپرستی‌اش بودند.

– هنگام ساخت سریال دلیران تنگستان، آزاد بودید و هر چه می‌خواستید در اختیارتان قرار می‌دادند؟

– خیر، این گونه نبود، نخست آنکه یک سال اول قرار بود ناوهای نیروی دریایی بیایند که ما سکانس‌های بستن ساحل دلوار را فیلمبرداری کنیم، ولی نیامدند. ما هم به ناچار صحنه‌هایی را نگرفتیم. شما تصور کنید که چقدر مایهٔ زحمت است؛ آن تعداد اسب و آن همه آدم، راکورد خاص خودش را دارد که باید حفظ شود، اما به هر حال، ناوها نیامدند و هیچ توضیحی هم برای علت نیامدن‌شان ارائه نکردند. بعد هم ما چون می‌خواستیم هر چه بیشتر به نخلستان جنوب نزدیک باشیم، بردندمان به بندر دیر و گفتند که نزدیک‌ترین جا به ساحل نخلستان همین جاست. آنجا با آب یکی دو کیلومتر فاصله داشت. مجبور بودیم صحنه‌ها را با لنز تِله بگیریم چون امکان مانور ما محدود بود، مثلاً اگر قرار بود که توپ شلیک کند و برود و برگردد؛ تا این مسیر را برود و برگردد سه ساعت طول می‌کشید. البته این را هم باید در نظر داشته باشیم که این اولین سریال مهمی بود که ساخته شد و در واقع از آن به بعد بود که بسیاری از سریال‌ها مثل سلطان صاحبقران یا آتش بدون دود و غارتگران ساخته شد. شاید خود من هم در ابتدای کار دلیران تنگستان تردید داشتم که آیا مقبولیت خواهد یافت یا خیر.

– چرا گویش اصلی انتخاب شد؟

– آقای بیابانی اصرار داشت که گویش منطقه‌ای باشد، ولی منوچهر آتشی گفت که باید گویش تهرانی را هم به کار بگیریم تا همه بتوانند با سریال، ارتباط برقرار کنند.

– از همسر رئیس علی برای مان بگویید؛ از اولین دیدارتان.

– ما برای دیدن او به منزلش رفتیم، ولی نبود. گفتند رفته باغچه. ما با دوربین ۱۶میلی متری رفته بودیم. مسافت دوری را طی کردیم تا این که دیدیم زیر نخل ها به قواره سه چهار تا قالیچه کوچک سبزه کاری کرده و مشغول آبیاری است. این صحنه و رفتارهای او در آن شرایط خیلی جالب بود. بچه ها از چاهی در همان حوالی با سطل آب می آوردند تا او بتواند باغچه ها را آبیاری کند. من خودم را معرفی کردم. و آرزویم این بود که این فیلم را ببیند، ولی در آن روستا نه برقی وجود داشت و نه فرستنده تلویزیونی. وقتی به منزلش رسیدیم از گردن خود کلیدی درآورد و در چوبی فرسوده ای را باز کرد. این حس که وارد خانه رئیس علی می شویم برای ما بسیار زیبا بود. داخل که شدیم دیدیم که در یک حیاط برهوت، یک اتاق خشت و گلی با یک ایوان و یک تیر کج وجود دارد، با یک زیلو و یک حصیر که به جای زیرانداز و فرش بود. برادرزاده اش هم آن جا بود. می دانستم که احتمالاً چیزی ندارد از ما پذیرایی کند و ما هم نمی خواستیم به زحمت بیفتد، به همین خاطر با خودمان میوه های فصلی برده بودیم. بچه های روستا پایین ایوان جمع شده بودند. چشمش که به میوه ها افتاد، گفت بچه ها بیایید جلو. و همه را بین آن ها تقسیم کرد. این را هم بگویم قبل از آن که با او گفت و گو کنم، محمود جوهری – بازیگر نقش رئیس علی – را با قبایی سفید و قطار فشنگ و تفنگ آماده کردم و به انبارک بردم. دوربین را آماده کردیم. به محمود جوهری گفتم از دور، از میان نخلستان ها بیا به طرف خانه. چشم های خیری خوب نمی دید. رفتم پیشش و پرسیدم از میان نخل ها چه کسی می آید؟ حس کردم تار می بیند، اما وقتی جوهری نزدیک تر آمد، شگفتی ای در چهره اش ظاهر شد، گویی از روزگار گذشته یادهایی در ذهنش زنده شد. بعد با لهجه خودش به جوهری گفت: «ها! رفتی تو پوست شیر، اما خیلی شبیهی ها.» بعدها از این فیلم برای یادمان و بزرگداشت محمود جوهری استفاده کردم و در پایان سکانس، صدای ترمز شدید ماشین و برخورد ماشین و تصادف را گذاشتم. یادم هست این فیلم بعد از اخبار پخش شد و مردم از مرگ نابهنگام محمود جوهری نجیب و زیبا خیلی متأثر شده بودند.

به هر حال، از خیری پرسیدم که چه می کنید؟ گفت: می بینی که، نان خشکی به آب می زنیم و می خوریم. جالب است! کسی مانند همسر رئیس علی نانی که می خورد خشک است و آبی هم که می نوشد تلخ است. آب شیرین در آن مکان یافت نمی شد. گفتم با تنهایی چه می کنی؟ گفت: من تنها نیستم و به بچه ها اشاره کرد. گفت: این همه بچه! این ها هر روز پیش من هستند. درباره رئیس علی می گفت: «او مانند عسل شیرین بود تا حدی که گلو را می سوزاند. در سنگر مثل پرچم ایران بود. و من هم در سنگر تفنگ او را پر می کردم و به دستش می دادم». راجع به دخالت زنان هم در مبارزات حرف زد. گفت: «چه کسی گفته زنان در آن مبارزات شریک نبودند، پس مردان مبارز در آن موقع باد هوا می خوردند؟» اگر امروز در افغانستان چند هزار سرباز آمریکایی حضور دارد، این ها چند برابر تعداد این افراد را تدارک می کنند. بنابراین مقایسه کنید که این افراد چگونه در آن زمان مبارزه می کردند. صحبت های این زن برای من بسیار زیبا بود. خیلی با هیجان صحبت می کرد و خیلی هم با لهجه غلیظ محلی حرف می زد. یک نفر حرف هایش را برای ما ترجمه می کرد. وقتی جعفریان این فیلم را دید. گفت افسوس که کاری برای این ها انجام نشده است. من گفتم اجازه بدهید این فیلم را ببرم و آن را تکمیل کنم. گفت این یک سند تاریخی است، همین جا باشد بهتر است. من دیگر آن فیلم را ندیدم و هیچ وقت هم پخش نشد. بعدها شنیدم که در کاخ صاحبقرانیه برای شاه و فرح نمایش داده اند. می گفتند فرح تا انتهای فیلم را دیده بود، اما شاه حوصله این حرف ها را نداشت. اگر می دید برای خودش هم بهتر بود و بیشتر به فکر مردم می افتاد. منبع: خبرگزاری میراث فرهنگی ـ گروه فرهنگ و هنر

اجتماعی ۶
شماره ۸۵۸ یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

اصول توسعه یافتگی

یاور مشیرفر

می توان حداقل چهار گام مهم برای مسیر توسعه به صورت تقریبی ذیل در نظر گرفت:
گام اول: سیستم سازی و نهادسازی
گام دوم: رشد اقتصادی و اقتصاد خصوصی، پیشرفت علمی – نرم افزاری، ارتباطات گسترده بین المللی
گام سوم: قانون پذیری، جامعه مدنی و اقتصاد سبز
گام چهارم: آزادی های فردی و گروهی، توسعه سیاسی و دموکراسی و جامعه باز
اما به نظر می رسد اصول توسعه یافتگی را هم می توان در قالب جدیدی تعریف کرد: پیچیدگی سیستم.
در بین تعریف های متفاوت از یک سیستم پیچیده عمدتا چهار ویژگی در بین همه تعریف ها مشترکا به چشم می خورد. این چهار ویژگی عبارتند از:
۱) الگوسازی
۲) خودسازماندهی
۳) مقاومت و تاب آوری
۴) پویایی
خودسازماندهی در سیستم های انسانی
بازار و تبادلات تجاری انسان ها با همدیگر نمونه ای بسیار کلاسیک از بحث خودسازماندهی است.
قیمت یک نمونه از خودسازماندهی است که از بر هم کنش عرضه و تقاضا حاصل می شود و قادر به تنظیم اتوماتیک خود است. همان مفهومی که آدام اسمیت آن را دست نامرئی بازار نامیده است.

الگوسازی در سیستم های انسانی

سیستم های خودتنظیم گر الگوهای رفتاری خاصی از خود نشان می دهند. ما این الگوها را «فرهنگ»، «رفتار»، «عرف» و... نامیده ایم. سیستم اما تمایل دارد همواره الگوهای رفتاری خودش را تا زمانی که تعادل سیستم به خطر نیفتاده است حفظ کند. یکی از این الگوها، مقاومت در برابر تغییرات تکنولوژیک مشاهده می شود. زمانی که داده ها و اطلاعات جدیدی وارد سیستم می شوند، سیستم هم چنان تمایل به حفظ رفتارهایش دارد. تا زمانی که دوباره بخواهد برای تنظیم تعادل رفتار و الگوی رفتاری را نیز تغییر دهد.
مثال: با ورود اینترنت به ایران در دهه هشتاد و نود کاربرد آن بسیار محدود بود. همانند کامپیوتر و گوشی های موبایل که یک کالای لوکس محسوب می شدند. گسترش ورود اطلاعات جدید در مورد اینترنت و ظرفیت های آن امروزه باعث به وجود آمدن هزاران شغل و به طبع آن خدمات جدید شده است.

تحمل و مقاومت در برابر تغییر

شاخصه دیگر سیستم های پیچیده مقاومت و تحمل در برابر تغییر است که در سیستم های انسانی می تواند بسیار گسترده باشد. از جمله مثال های خوب برای فهم این قضیه «کودتای سیاسی» است که در آن حتی با تغییر در یکی از اجزای سیستم انسانی (حکومت) کل چارچوب جامعه و انسان های آن (بقیه اجزای سیستم) از هم نمی پاشند.
دیگر جزء مهم سیستم های پیچیده در پویایی فرآیندهای خودسازماندهنده است. به این معنی که روابط و متغیرهای سیستم در طول زمان از خود تغییراتی را نشان می دهند. برای مثال میزان مقبولیت احزاب، ساختارها و سیستم های سیاسی و فکری از سال ۶۰ تا ۹۰ را در نظر بگیرید.

توسعه یافتگی و پیچیدگی سیستم توسعه ایران

درون سیستم توسعه یافتگی ایرانی اجزای بسیار زیادی وجود دارند که رفتارهایشان «قابل پیش بینی» نیست. اگر فرض کنیم که ورود اطلاعات جدید به صورت پیوسته از خارج از سیستم می تواند «رفتار» سیستم را در طول زمان دچار تغییراتی کند، باید در نظر داشته باشیم که «الگوی رفتاری» سیستم "قابل پیش بینی" نیست و ممکن است رفتار سیستم پس از خودتنظیمی «ضدتوسعه ای» هم بشود. هم چنان که از مشروطه تا به امروز و پیش تر از آن از دارالفنون تا انقلاب مشروطه، ورود اطلاعات جدید به درون سیستم باعث تغییر رفتار «سیستم» شد، اما توسعه یافتگی را به ارمغان نیاورد: پیشرفت را همراه آورد. هم چنان شاخص های توسعه ای در وضعیت مناسبی قرار نگرفتند. یعنی انقلاب و تغییرات نظام را به همراه آوردند (تغییر رفتار) اما هم چنان توسعه نیافتگی گریبانگیر سیستم بوده و هست.
اما اگر قرار باشد تغییراتی در رفتار سیستم به دلیل ظهور اطلاعات جدید «در درون سیستم» باعث بر هم خوردن تعادل و خودسازماندهی مجدد شود، آیا لزوما رفتارهای جدید سیستم به سمت توسعه یافتگی حرکت می کنند؟ باز نمی توانیم «پیش بینی» دقیقی از روند رفتارهای سیستم داشته باشیم. اما می توانیم به «تجربه» بشری اعتماد کنیم.
هر چند باید دقت داشت که رفتارهای توسعه یافتگی که از رشد درون سیستم (برهم خوردن تعادل و سازماندهی مجدد) نشأت گرفته اند و در درازمدت به توسعه انجامیده اند، همگی در جوامعی به وسعت، جغرافیا و جهان بینی قرن هفدهمی و در بهترین حالت حداکثر ۲۰۰ سال قبل رخ داده اند. در جهان امروز دیگر به هیچ عنوان نمی توان مانع ورود سیل عظیم اطلاعات از خارج از سیستم شد. شاید باید رشد درونی آن قدر سریع و پرشتاب پیش برود که بتواند با داده های ورودی جدید به تعادل برسد.



یک اشتباه تربیتی
سوزاندن دل کودک؟

رویا نوری

بعضی از والدین تمام سعی خود را می کنند تا از روشهای اشتباه تربیتی برای تعلیم فرزندشان استفاده نکنند. آنها نه فریاد می زنند، نه ناسزا می گویند، نه کتک می زنند. حتی قهر هم نمی کنند. اما از روش دیگری برای تنبیه فرزندشان استفاده می کنند.
خوراکی مورد علاقه فرزندشان را انتخاب می کنند، مقابل فرزندشان می نشینند و با لذت تمام آن را می خورند و به فرزندشان اجازه خوردن نمی دهند.
شاید تعجب کنید اما واقعیت است. فکر می کنید کودک دو ساله یی که پدرش یا مادرش برای تنبیه



او تمام بستنی ها را در مقابل کودک به تنهایی و با لذت می خورد آیا به فرزندش راه درست زندگی کردن را می آموزد؟ آیا از فرزندش انسانی با اعتماد بنفس، حرمت نفس، خود دوستی، با احساس امنیت و آرامش می سازد؟
محرومیت یک تنبیه است برای کودکان بالای دو سال که باید شرایط آن منصفانه باشد، تا به کودک بیاموزیم با نتیجه رفتاری که می دانسته آسیب زننده و خطرناک است آشنا شود. قرار است از تنبیه به عنوان آخرین حربه برای کنترل رفتار خطرناک فرزندمان استفاده کنیم. قرار است فرزندانمان کنار ما امنیت و آرامش داشته باشند، نه آنکه از خودمان در ذهن آنها هیولا بسازیم.

دکترها، مهندس ها و دیگران...

سعید منصور افشار

کافی است اخبار مربوط به مشکلات رکود اقتصادی، خشکسالی و کم آبی، تصادفات جاده ای و ... را به کناری بگذاریم، آنگاه چشم مان به روی معضل نه چندان دیرینه ای به نام «بیکاری فارغ التحصیلان» مراکز آموزش عالی روشن خواهد شد.
آمارها می گوید که در حال حاضر بیش از یک میلیون جوان تحصیل کرده و دارای مدرک دانشگاهی بیکار هستند که بیشتر آنان در رشته هایی مانند علوم کامپیوتر، محیط زیست، هنر، علوم معماری، عمران و کشاورزی و جنگلداری مدرک فارغ التحصیلی دارند.
سوال این است که چگونه به این مرحله رسیدیم؟!
روشن است که توسعه کیفی و کمی آموزش عالی در کشور باید در چارچوب استراتژی توسعه کلان آن تبیین و سازماندهی شود، به عبارت دیگر اگر کشوری به عناوین مختلف مثلا به دلیل مزیت های رقابتی و دیگر دلایل گوناگون از جمله کمبود آب، برنامه های راهبردی توسعه اش را بر بنیان صنعت IT یا توریسم یا صنعت حمل و نقل و ... قرار می دهد، بدیهی است که باید سازماندهی و ظرفیت دانشگاه هایش را هم بر مبنای همان رشته بنیان بگذارد.
اگر کشوری صنایع فولاد یا نساجی ورشکسته دارد، چه لزومی دارد که دانشگاه هایش در این بخش متخصص تربیت کند؟ یا اگر کشوری به دلیل خشکسالی و کمبود شدید آب نمی تواند کشاورزی و دامپروری را در ابعاد بزرگتر ادامه دهد، چه لزومی دارد متخصص کشاورزی – آن هم با دانش قدیمی– تربیت کند؟
از سوی دیگر به دلیل عدم توجه برخی مسؤولان کشور به مبحث توسعه همه جانبه، در سه دهه اخیر مراکز آموزش عالی به طرز غیرمنطقی گسترش کمّی پیدا کرده اند و گویا در حال حاضر بیش از ۲۳۰۰ مرکز آموزشی در حال فعالیت هستند. بدیهی است که تأمین هیأت علمی با تجربه، تجهیزات آزمایشگاهی، امکانات کارگاهی و فضای آموزشی برای این تعداد بسیار مشکل است و اصولا معلوم



نیست که با چه معیار و منطقی مسؤولان تصمیم گرفته اند مدام به تعداد مراکز به اصطلاح آموزش عالی بیفزایند؟ نتیجه این اقدام شتابزده و احساسی همان افت فاحش کیفیت آموزشی خواهد بود.
بی دلیل نیست که همین الان کشور ما با خیل وسیعی از فارغ التحصیلانی مواجه شده که فاقد مهارت های لازم هستند و حداقل استانداردهای مورد پذیرش دانشگاه های معتبر جهان در آن رعایت نمی شود.
بیشتر مراکز آموزش عالی تبدیل شده اند به مرکز صدور مدرک لیسانس، فوق لیسانس و دکتری.
جالب تر اینکه در شروع سال تحصیلی جدید برخی مسؤولان وزارت علوم اعلام کرده اند که دهها هزار صندلی خالی در دانشگاه ها وجود دارد و حتی آگهی هایی در روزنامه ها منتشر شد که با پرداخت پول و شهریه دانشگاه و بدون کنکور وارد شوید!
باید خطاب به مسؤولان و دلسوزان آینده ایران گفت: بهتر است جلوی فاجعه را همین امروز بگیرید، مگر می شود در کشوری که هنوز نتوانسته سیستم آموزش و پرورش نخ نما شده خود را به روز کند و به جز چند دانشگاه انگشت شمار، بقیه مراکز آموزش عالی صدها هزار جوان مدرک دار بدون مهارت روانه جامعه می کند، بیش از ۷۰ هزار دانشجوی دوره دکتری داشت؟! واقعاً با کدام امکانات؟ با کدام هیأت علمی و استاد؟
چه افتخاری دارد که هزاران مدرک دار دکتر را روانه جامعه کنیم که حتی نتوانند نیم ساعت سخنرانی علمی به زبان انگلیسی یا حتی فارسی بدون نوشته انجام دهند؟
چه افتخاری دارد که هزاران مدرک دار به اصطلاح مهندس را تحویل جامعه دهیم در صورتی که از طراحی، محاسبه و نظارت به نقشه و اجرای یک ساختمان پنج طبقه یا یک پل و یا طراحی یک مدار عاجزند؟
بدیهی است نگارنده نهایت احترام را به جوانان زحمتکش و عاقل و نخبه ای که با رنج و تلاش خود، موفق به طی مراحل تحصیل دانشگاهی گردیده و فردی مفید بحال کشور شده اند اعلام می دارد و منظور قطعا آنان نیستند. در پایان جمله ای از استاد فرزانه و جراح عالیقدر، جناب آقای مجید سمیعی اشاره ای داشته باشیم که در تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۱۱ طی سخنرانی در دانشگاه آزاد بجنورد گفتند: «خواهش بنده از دانشجویان این است که زمانی که تحصیلاتشان به پایان می رسد، فقط از اسم و فامیل خود استفاده کنند، چرا که مدرک و تیتر گویای دانش، ارزش و منزلت هیچکس نیست، اگر شخصی خود را با عنوان دکتر یا مهندس معرفی کرد، مطمئن باشید چیزی در توشه اش ندارد، دانشجویی یک مسئولیت بزرگ است».

منبع: عصر ایران

روستاها در حال تبدیل شدن به شهرهای محروم کم جمعیت مصرف گرا

باقر رجبی

امروزه اگرچه تعاریف ما از روستا همان تعریفی است که ملاک جمعیتی و شیوه معیشت و نوع تولیدات و ... لحاظ شده است. اما امروزه با حضور خود و مطالعه زندگی روستانشینان می بینیم که شکل و شیوه معیشت و شیوه تولید روستایی به کلی عوض شده است و روستاهای ما با سرعت رو به تزایدی از حالت روستای تولیدکننده به شهرهای کوچک مصرف کننده محروم تبدیل شده است.
چون با تأمل اندکی می بینیم که در گذشته ای دورتر روستا تولیدکننده محصولات دامی و کشاورزی بود که پس از تولید و مصرف خود، مازاد آن را به صورت مبادله پایاپای (کالا به کالا) در بازارهای هفتگی مبادله می کرد و تا چندین دهه قبل کم کم تولیدات روستایی صرف مصارف روستایی ادامه داشت بطوری که تولیدکنندگان مایحتاج خود و خوش نشینان و ... در همان روستا را تأمین می کرد و کارگران روستا نیز بیشتر در امور تولید با تولیدکنندگان کمک می کردند.
ولی امروزه می بینیم که تولید و شیوه زندگی روستایی از روستا رخت بربسته و روستاها با سبک زندگی شهری اداره می شوند و تولیدات انبوه صنعتی، حتی مایحتاج روزانه از جمله مرغ و تخم مرغ ماشینی، لبنیات پاستوریزه و سبزیجات بسته بندی شده و حتی فست فودها و ... جایگزین تولیدات روستایی شده و از نظر قیمت حتی به خاطر هزینه حمل و نقل زیاد از شهر تا روستا با قیمتی گزاف تر مصرف می شود و سبک و شیوه زندگی شهری بر روستا ها حاکم شده و از طرفی خیلی از مشاغل روستایی یا از بین رفته و بیکاری که از شاخصه های کلانشهری بوده در روستا بیشتر



از شهرها به چشم می خورد و از طرفی دیگر مشاغل روستایی که وجود دارد، دیگر جوابگوی زندگی لوکس و شهرنمای روستایی نبوده، بلکه باعث شده است تا روستاها تبدیل به مصرف کننده کالاهای لوکس صنعتی شده و فقط به خاطر درآمد پایین در مشاغل روستایی آن را تبدیل به شهرهای محروم ساخته است.
چون امروزه در زباله های روستایی پوست تخم مرغ روز، پاکت شیر و ماست پاستوریزه، پلاستیک بسته بندی مرغ ماشینی و سس و ظروف یکبار مصرف و ... را می بینیم و حتی ساختار بوم شناختی و طراحی محیطی روستا، ویلاهای رنگارنگ، شهرک های آرمانی، جایگزین مزارع، باغات کشاورزی شده و هر روزه گوی سبقت از روستاهای همجوار را می ربایند.
اگر از بعد فرهنگی اش بگوییم دیگر آواز شبانان در کنار دام های خود به حداقل رسیده است و همچنین صدای هیاهوی خانواده دامدار در رتق و فتق دام های خود به خاطر خواب پایان هفته ای همسایه شهرنشین در ویلای همسایگی به حداقل رسیده است تا (حقوق شهروندی اش) ضایع نشود و حتی آن خروس پیرزن روستایی که با آوازش با ساز همسایه های پایان هفته ای کلانشهرنشین ناهماهنگ باشد، باید هر چه سریعتر سر بریده شود تا صدایش مزاحم خواب ناز صبحگاهی همسایه ای که به خاطر آسایش خود از کلانشهر به ویلای خود آمده است، نباشد و دیگر واژه هایی چون کنسل و اوکی و لایک و ... رایج ترین واژه هایی است که حتی کودکان و پیرزنان و پیرمردان روستایی به راحتی آن را در گفتگوهایشان بیان می کنند و دیگر فرقی را در پوشش مردان و زنان روستایی با شهرنشینان نمی بینیم و رسم و رسوم و آداب ها در شهر و روستا یکی است و فرق این دو را در میزان جمعیت و پراکندگی و تراکم جمعیتی و سطح برخورداریشان از امکانات رفاهی است.
یعنی تبدیل شدن روستاها به شهرهای کوچک مصرف گرا که در سطح بالاتری از محرومیت نسبت به شهرهای واقعی قرار دارند، اما هزینه های زندگی مدرن شهری را در بر دارند. هزینه هایی چون هزینه بسته های اینترنتی، وایفا، گوشی های اندرویدی، پول گاز و برق و غذاهای پاستوریزه و فست فودی به اضافه هزینه های حمل و نقل اضافی (برحسب فاصله با مرکز استان)... نمونه ای از هزینه های روستایی است.

از ظرفیت ساحل خلیج فارس برای توسعه نشاط در استان بوشهر استفاده شود

استاندار بوشهر بر لزوم همکاری برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی تاکید کرد و گفت: از ظرفیت ساحل خلیج فارس برای توسعه نشاط در استان بوشهر استفاده شود.
به گزارش خبرنگار مهر، عبدالکریم گراوند در نشست شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان بوشهر اظهار داشت: با تلاش جمعی، کارهای بسیار خوبی برای مقابله با سوداگران مرگ در استان بوشهر صورت گرفته است.
وی با تقدیر از تلاش‌های نیروهای انتظامی، قضایی، امنیتی و افزایش میزان کشفیات مواد مخدر در استان، بیان کرد: شاهد برخورد جدی با سوداگران مرگ در استان بوشهر هستیم و این اقدامات قابل تحسین است.
استاندار بوشهر با اشاره به اینکه استان بوشهر یکی از استان‌های برتر کشور در حوزه نشاط اجتماعی است، اضافه کرد: بوشهر از استان‌های سبز در زمینه مقابله با آسیب‌های اجتماعی بوده و جایگاه خوبی در کشور دارد.
وی خواستار تلاش بیشتری برای مقابله و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در سطح استان شد و ادامه داد: زیرساخت‌های توسعه نشاط اجتماعی در سطح استان بوشهر ایجاد شده است و باید برای رفع چالش‌ها و آسیب‌هایی همچون حاشیه‌نشینی، طلاق و اعتیاد تلاش شود.
گراوند توسعه ورزش و بهبود وضعیت سلامت را از اولویت‌های استان بوشهر برای سال آینده عنوان کرد و افزود: ساحل خلیج فارس ظرفیت بسیار خوبی برای گسترش نشاط است و باید از آب و هوا و ساحل زیبای خلیج فارس برای چنین برنامه‌هایی استفاده شود.
وی خواستار گسترش طرح‌ها و برنامه‌ها در حوزه سلامت و نشاط اجتماعی شد و خاطرنشان کرد: توزیع اعتبارات در سال آینده بر اساس برنامه محوری انجام می‌شود و دستگاه‌های اجرایی نیز باید در این مسیر حرکت کنند.
استاندار بوشهر با اشاره به فراهم شدن اشتغال معتادان بهبود یافته و پرداخت یارانه تسهیلات اشتغال به این افراد، گفت: انجمن معتادان گمنام خدمات قابل توجهی به افرادی که ترک اعتیاد کرده‌اند ارائه می‌کند.
وی با اشاره به اینکه سمن‌های استان بوشهر بدون چشم داشت مشغول فعالیت و خدمات‌دهی هستند، ادامه داد: دستگاه‌های اجرایی با سازمان‌های مردم نهاد به‌ویژه انجمن معتادان گمنام همکاری کرده و فضای لازم در اختیار آنان قرار گیرد.

رهاسازی فاضلاب شهری بوشهر در دریا تهدیدی جدی برای سلامتی است

معاون فنی مرکز بهداشت شهرستان بوشهر گفت: رهاسازی فاضلاب به دریا تأثیر منفی بر اکوسیستم دریا و انقراض آبزیان داشته و تهدیدی علیه محیط زیست است.
به گزارش خبرنگار مهر، حمید حبیبی‌نیا در نشست بررسی وضعیت فاضلاب بوشهر اظهار داشت: تخلیه فاضلاب شهری به همراه سایر آلودگی‌ها از صنایع باعث ایجاد بار میکروبی بالا، تجمع فلزات سنگین و سموم کشاورزی در محیط های ساحلی می شوند.
وی اضافه کرد: تخلیه فاضلاب شهری موجب تغییر شاخص های فیزیکی و شیمیایی آب شده و نیز باعث به خطر افتادن سلامت و کیفیت محیط زیست دریا و خاک می‌شود.
معاون فنی مرکز بهداشت شهرستان بوشهر افزود: در راستای ارتقاء شاخص‌های بهداشتی آب و فاضلاب که با حضور ۳۵ نفر از کارشناسان بهداشت محیط برای آموزش در مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی بوشهر و همچنین در برخی خانوارهای شهری و روستایی انجام شده است در زمینه خطرات ناشی از دفع غیربهداشتی پساب منازل، فاضلاب‌های کارخانجات صنعتی و کارگاه‌های سنتی مطالبی ارائه شد. آلودگی میکروبی و اشباع فاضلاب از مواد شوینده و پساب منازل باعث آلوده شدن مناطق ساحلی، ایجاد چهره نازیبا برای محیط زیست و نگرانی شهروندان می‌شود و ابتلای شناگران سواحل به بیماری‌های عفونی و پوستی را امکان پذیر می کند.
حبیبی‌نیا اضافه کرد: همچنین رهاسازی فاضلاب در دریا تأثیر منفی بر اکوسیستم دریایی و انقراض آبزیان و تهدیدی علیه محیط زیست است.
وی خاطرنشان کرد: ارتقاء سطح آگاهی جامعه و فرهنگ سازی بین اقشار مختلف مردم بویژه دانش آموزان و خانوارها در زمینه حفاظت از محیط زیست و کاهش آلودگی و جلوگیری از ورود آلاینده ها همچون پساب منازل و فاضلاب‌های صنعتی به منابع آبی و زیست‌بوم‌ها بر کاهش بیماری‌های انگل و روده‌ای و خطرات زیست محیطی و نیز افزایش سلامت عمومی مؤثر خواهد بود.

۷
نسیم جنوب
روز بوشهر
شماره ۸۵۸ یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

آغاز هفته نکوداشت بوشهر با نواختن زنگ مدرسه تاریخی سعادت

آیین برنامه های نکوداشت هفته بوشهر که به یمن تأسیس مدرسه مبارکه سعادت ۱۸ اسفند ماه به نام روز بوشهر نامگذاری شده است با نواختن زنگ تاریخی مدرسه سعادت آغاز گردید.

در این همایش که با حضور پیشکسوتان مدرسه سعادت، زرین فر معاون استاندار، اعضای شورای اسلامی و سرپرست شهرداری بندر بوشهر و مدیران استانی بر گزار گردید. ضمن تشریح جایگاه تاریخی و اهمیت مدرسه سعادت در توسعه مدارس جنوب کشور و سواحل خلیج فارس از برخی مدیرانی که در امر احیا مدرسه سعادت تلاش داشتند و دانش آموختگان ممتاز شهر بوشهر تقدیر و تشکر به عمل آوردند.


bushehrcity.ir پایگاه اطلاع رسانی شهرداری بوشهر

در این مراسم دهدار رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر ضمن خیرمقدم به پیشکسوتان، معلمین و دانش آموختگان مدرسه سعادت هفته نکوداشت بوشهر را فرصتی برای معرفی ظرفیت ها و توسعه بوشهر در سایه علم و دانایی دانستند.

زرین فر معاون استاندار با حائز اهمیت خواندن نام گذاری روز بوشهر به مناسبت سالروز تأسیس مدرسه سعادت روز علم و فرهنگ این امر نشان از روحیه ی فرهنگی و علمی مردم بوشهر دانستند و مدرسه ی سعادت را مدرسه ای عنوان نمودند که بیش از ۱۲۰ سال همچنان به فعالیت علمی و آموزشی خود ادامه می دهد در همین راستا ایشان بر ایجاد موزه مدرسه تاریخی سعادت تأکید نمودند.

برگزاری ۴۰ برنامه نکوداشت بوشهر

فاطمه صفری زاده سرپرست سازمان فرهنگی اجتماعی ورزشی شهرداری بندر بوشهر و دبیر ستاد هفته بوشهر در نشست خبری با اصحاب رسانه: ۴۰ برنامه ویژه دهمین نکوداشت هفته بوشهر تدارک دیده شده است.

در نشستی خبری با حضور سرپرست سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری و همچنین رییس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر، برنامه های دهمین دوره نکوداشت روز بوشهر تشریح شد.

فاطمه صفری زاده سرپرست سازمان فرهنگی ورزشی با بیان اینکه برنامه های رسمی روز بوشهر از شنبه ۱۲ اسفند تا جمعه ۱۸ اسفند برگزار می شود گفت: تعداد ۴۰ برنامه در دهمین نکوداشت روز بوشهر برگزار می شود و سعی شده با توجه به شعار سال که همان اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل است ضمن صرفه جویی در هزینه ها، این برنامه ها نیز با کیفیت اجرا شود.

دبیر دهمین نکوداشت روز بوشهر افزود: البته برنامه های آیین نکوداشت بوشهر با عطرافشانی و غبارروبی قبور مطهر شهدا آغاز شد و با نواختن زنگ مدرسه سعادت با حضور نماینده ولی فقیه در استان و استاندار بوشهر برنامه ها رسماً آغاز می شود.

وی به برخی برنامه های نکوداشت روز بوشهر اشاره کرد و اظهار



داشت: رایگان شدن اتوبوس های شهری برای شهروندان در روز شنبه همزمان با آغاز برنامه های روز بوشهر، دیدار و تجلیل از دو خانواده شهید عاشوری و رقیه حیاتی، برپایی نمایشگاه های موسیقی و نقاشی، عکاسی، صنایع دستی، رباتیک و...، بازی های بومی و محلی، تجلیل از اولین ها و پیشکسوتان، جشنواره فرزندان محراب، دیدار با خانواده و کارگران شهرداری، ویژه برنامه آواها و نواهای بوشهری، زنگ انشاء، آیین گرامیداشت یاد و خاطره حجت الاسلام سیدمحمدحسن نبوی نماینده فقید بوشهر در مجلس از جمله این برنامه ها است.

اکران فیلم های هنرمندان بومی برای اولین بار در نکوداشت روز بوشهر صفری زاده برگزاری جشن درختکاری، طرح استقبال از بهار، شب شعر ریحانه رسول، همایش اسوه های صبر و ایثار، اختتامیه جشنواره بطری ها، شونشینی، شب شکوه بازار بوشهر، شب شعر و شروه، همایش چهره های ماندگار و شهروند افتخاری، مسابقات شطرنج کشوری، مسابقه مردان آهنین بوشهر، رالی خانوادگی، پیاده روی بزرگ خانوادگی، اختتامیه جشنواره رسانه ای هفته بوشهر را از دیگر برنامه های دهمین نکوداشت روز بوشهر دانست.

وی همچنین افزود: برای اولین بار قرار است در این ایام نکوداشت روز بوشهر فیلم های هنرمندان بومی در عمارت حاج رئیس اکران شود.

به گفته وی، امسال کتاب معرفی چهره های ماندگار و شهروندان افتخاری ۱۰ دوره روز بوشهر نیز همزمان با مراسم پایانی در روز بوشهر رونمایی خواهد شد. وی همچنین از برگزاری جشن های شبانه در میدان رئیسعلی دلواری و ایجاد غرفه های ورزشی، تفریح، فرهنگ و سلامت در حاشیه این میدان برای استفاده شهروندان خبر داد.

دیدار و تجلیل از خانواده های شهدا به مناسبت هفته بوشهر

در دومین شب از هفته نکوداشت بوشهر رئیس و اعضای شورا و سرپرست شهرداری بندر بوشهر با همراهی اعضای ستاد بزرگداشت هفته بوشهر با حضور در جمع خانواده شهید عاشوری و خانواده شهیده رقیه حیاتی از مقام شامخ این شهیدان والا مقام و خانواده ایشان تجلیل به عمل آوردند.

قاسمی سرپرست شهرداری بندر بوشهر توجه به فرهنگ ایثار و شهادت که جز ویژگی های شاخص فرهنگی مردم بوشهر است از برنامه های شاخص هفته بزرگداشت بوشهر دانستند. ایشان با توجه به نقش شهید عاشوری در انقلاب شکوهمند مردم بوشهر یاد و خاطره ایشان همواره در ضمیر مردم این شهر نقش بسته است.

دهدار رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر امنیت و ثمرات این انقلاب را مدیون شهید عاشوری و شهدای انقلاب دانستند. و ابراز امیدواری کردند شورا بتواند امانت دار خون شهدا باشد.

در این دیدار فرزند شهید عاشوری با تسلیت سالروز وفات ام البنین مادر شهدای بزرگ کربلا و با ذکر جایگاه و مقام شامخ ایشان و فرزندانشان در راه تبعیت از امامت مقام ایشان را گرامی داشتند. ایشان از این حرکت ارزشمند ستاد بزرگداشت روز بوشهر در تجلیل از شهدا و خانواده شهدا تقدیر نمودند و شهید عاشوری را روحانی ساده زیست توصیف نمودند که از ثمره ی همین ساده زیستی و مردمی بودن مورد محبت و احترام قلوب مردم بودند و ایشان را افتخاری برای تاریخ استان بوشهر دانستند.

شهیده رقیه حیاتی از شهدای حمله های هوایی جنگ تحمیلی در بوشهر بودند در دیدار با مادر این شهیده ضمن ذکر یاد و خاطره شهیده ی گران قدر از مقام شامخ شهیده والامقام و مادر ایشان توسط ستاد بزرگداشت هفته بوشهر تجلیل به عمل آمد.

قاسمی در دیدار با مادر شهیده، شهیده حیاتی را نشانه مظلومیت شهدای انقلاب در جنگ تحمیلی دانستند و بهشت را جایگاه ایشان و دیگر شهدای سرفراز دانستند. ایشان یاد و خاطر شهیده ی گران ارج را زنده خواندن و پایداری انقلاب را ثمره ی ارزشمند خون شهدا و استقامت ایثارگران و جانبازان دانستند. در مجموعه ی این دیدارها در راستای تقدیر از خدمات پرسنل شهرداری و خانواده های ایشان همچنین دیداری با حضور اعضای شورا و اعضای ستاد بزرگداشت هفته ی بوشهر از خانواده ی سید مرتضی رضوی از کارکنان شهرداری بوشهر صورت پذیرفت.


bushehrcity.ir پایگاه اطلاع رسانی شهرداری بوشهر

در این دیدار سرپرست شهرداری از خانواده ایشان تقدر و تشکر کردند و به نمایندگی از تمامی کارگران و کارکنان زحمت کش مجموعه ی مدیریت شهری از ایشان و خانواده شان تجلیل به عمل آوردند.

جشنواره غذاهای محلی در هفته نکوداشت بوشهر

به گزارش واحد روابط عمومی شهرداری بندر بوشهر جشنواره غذاهای محلی که به مناسبت هفته نکوداشت بوشهر در شامگاه سومین شب از هفته بوشهر در کنار ساحل برگزار گردید ۱۹ شرکت کننده در بخش پخت غذاهای بومی و محلی با پخت انواع غذاها و شیرینی های محلی شرکت داشتند. این جشنواره به منظور حفظ و ترویج سنت



و فرهنگ غذاهای محلی و شیوه های پخت آن در قالب بخش رقابتی میان شرکت کنندگان برگزار گردید. در پایان با حضور رئیس و اعضای شورای اسلامی و سرپرست شهرداری بندر بوشهر ضمن اهداء لوح تقدیر به تمامی شرکت کنندگان از نفرات برگزیده تقدیر به عمل آمد.

جشنواره موسیقی آواها و نواها در دومین شب از هفته نکوداشت بوشهر

در دومین شب از هفته نکوداشت بوشهر جشنواره موسیقی آواها و نواهای استان بوشهر با حضور پرشور مردم و مسئولین در کنار ساحل زیبای بوشهر برگزار گردید. این جشنواره که به منظور حفظ و معرفی آواها و نواهای اصیل موسیقیایی بوشهر به عنوان گنجینه ی فرهنگ بومی و محلی بوشهر برگزار گردید، مجموعه ای از آواها و نواهای اصیل بوشهر اجرا گردید.

ابتدای برنامه پس از سخنرانی حسین فیروزی شاعر و پژوهشگر نواهای محلی و بومی سرایی در خصوص آیین ها و نواهای اصیل محلی با نوای دلنشین چاووشی خوانی، مثنوی خوانی و آوای گرم و سوزناک شروه خوانی توسط شروه خوانان برجسته گروه مفتون برنامه آغاز گردید در ادامه نواهایی از موسیقی کار "نیمه خوانی" موسیقی جشن و سرور و "موسیقی محفلی" اجرا گردید در پایان با اجرای پرشور موسیقی خیامی برنامه به پایان یافت.

افتتاحیه دهمین هفته نکوداشت بوشهر گنجینه ی خلیج فارس در محل گلزار شهدای بوشهر


bushehrcity.ir پایگاه اطلاع رسانی شهرداری بوشهر

به گزارش واحد روابط عمومی شهرداری بندر بوشهر افتتاحیه دهمین هفته نکوداشت بوشهر گنجینه ی خلیج فارس با میثاق دوباره اقشار مختلف مردم و با حضور رئیس و اعضای شورا و سرپرست شهرداری بندر بوشهر با آرمان های والای شهدا و امام شهدا در محل گلزار شهدای بوشهر برگزار گردید. در این آیین با اهدا گل و عطرافشانی قبور مطهر شهدا به مقام شهدا و خانواده شهدا ادای احترام شد.

کلنگ زنی پارکینگ طبقاتی و ایجاد موزه مشاهیر در هفته بوشهر

آسایش رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی در نشست خبری تشریح برنامه های دهمین نکوداشت هفته بوشهر : کلنگ زنی پارکینگ طبقاتی و ایجاد موزه مشاهیر از برنامه ی این دوره از هفته بوشهر عنوان کردند.

رییس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر بوشهر نیز در نشست خبری با اصحاب رسانه به مناسبت دهمین هفته نکوداشت بوشهر تصریح کرد: وی رویکرد شورا و شهرداری برای برنامه روز بوشهر امسال حمایت از هنرمندان بومی بوده و برگزاری برنامه های هنری در زمینه هفته فیلم، مسابقه، عکس، گرافیک و... در این راستا می باشد.

مهرزاد آسایش اظهار داشت: از سال آینده فعالیت دبیرخانه روز بوشهر متکی به دو ماه پایانی سال نخواهد بود و دبیرخانه آن در طول سال فعال و برآیند برنامه ها در هفته بوشهر مورد تجلیل قرار می گیرد.

آسایش با اشاره به اینکه وارد دهمین دوره نکوداشت روز بوشهر می شویم، خاطرنشان کرد: تاکنون ۲۵ چهره ماندگار و شهروند افتخاری در بوشهر معرفی شده که در این راستا موزه آثار این چهره ها در ساختمان بیلیارد در بافت تاریخی بوشهر ایجاد می‌شود که عمارت در دست مرمت بیلیارد مورد نظر است.

رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای بوشهر همچنین از افتتاح یا کلنگ زنی برخی پروژه ها به مناسبت روز بوشهر خبر داد و گفت: کلنگ زنی پارکینگ طبقاتی در کنار مجتمع خورشید که بصورت مشارکتی با بخش خصوصی است، ایجاد تالار شهر که امیدواریم طی این هفته جانمایی آن در اراضی آزاد شده نیروی هوایی نهایی شود، اضافه شدن هشت دستگاه اتوبوس نو که ناوگان فعال شهری را به ۴۰ دستگاه می رساند، افتتاح ۳ زمین چمن مصنوعی در محلات جنوبی شهر و افتتاح پارک لیل حدفاصل میدان آزادی تا شهرک نیایش از دیگر پروژه های عمرانی است.

ایشان همچنین از انتخاب چهره ماندگار و شهروند افتخاری خبر دادند.

آغاز برنامه های هفته درختکاری و استقبال از بهار


bushehrcity.ir پایگاه اطلاع رسانی شهرداری بوشهر

به گزارش واحد روابط عمومی شهرداری بندر بوشهر در چهارمین روز بزرگداشت هفته بوشهر و مناسبت ۱۵ اسفند ماه روز درختکاری طرح استقبال از بهار و کاشت گیاهان ثمری در سطح محلات آغاز گردید و در همین راستا درختکاری فاز یک پارک لیل و کاشت نهال های نارنج جایگزین درخت های کنوکارپوس به مرحله اجرا درآمد از دیگر برنامه های این روز افتتاح نمایشگاه دائمی تولید و فروش گیاهان زینتی و آپارتمانی در محل نهالستان شهرداری وکیلینیک گیاه پزشکی با حضور اعضای شورای اسلامی شهر بوشهر و سرپرست شهرداری بندر بوشهر افتتاح گردید.

همچنین از امروز ۱۵ اسفند ماه به مدت ۱۵ روز طرح استقبال از بهار در محلات سطح شهر به همت سازمان مدیریت پسماند انجام گردید.

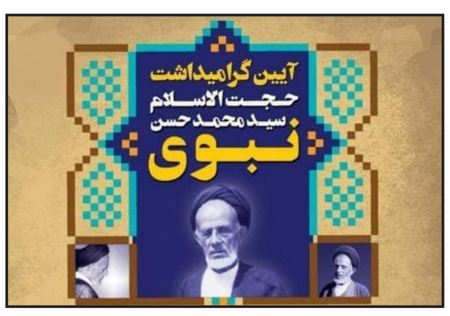
آئین نکوداشت حجت الاسلام سیدمحمدحسن نبوی

اخلاق و منش مرحوم نبوی را باید سرمشق و الگوی خود قرار دهیم.

در سومین شب از هفته نکوداشت بوشهر آیین بزرگداشت عالم فرزانه حجت الاسلام نبوی در محل مدرسه ی تاریخی سعادت به همت ستاد بزرگداشت هفته بوشهر با حضور دوستداران و اصحاب اهل فرهنگ علم برگزار گردید.

مرحوم نبوی از علما و نویسندگان فرزانه و معلمین و مدیران فرهنگی استان بوشهر بودند که در سه دوره نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی بودند. نبوی در بدو تأسیس بنیاد ایران شناسی تا سال وفات شان رئیس بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر بودند ایشان صاحب ده ها تألیف و ترجمه در حوزه ی تاریخ معاصر و خلیج فارس هستند.

در ابتدای مراسم با ذکر یاد و خاطره ای از ایشان توسط رضوان نبوی دختر برومند ایشان مقدم



مدعوین را گرامی داشتند و از برگزارکنندگان این مراسم تقدیر نمودند. ایشان مرحوم نبوی را انسانی متواضع و کوشا خواندند که هیچ گاه از مجاهدت علمانه ی خویش در راه خدا و مردم خسته نشدند.

دکترعبد الکریم مشایخی رئیس بنیاد ایران شناسی شعبه ی بوشهر با تبیین ابعاد شخصیت فرهنگی، سیاسی و علمی ایشان مرحوم نبوی را شخصیتی بزرگ و عالمی فروتن با هوش و درایت سیاسی و شجاع دانستند. و خاطراتی را در ذکر جایگاه ایشان و خدمات ارزنده شان برای استان بوشهر در ایجاد مراکز آموزش عالی، رفع مشکل آب بوشهر و جاده ارتباطی ساحلی و دیگر خدمات ایشان بیان داشتند.

عبدالرسول عمادی معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان سنجش کشور در ذکر شخصیت عالم فرزانه بیان را قاصر از توصیف ویژگی های ایشان خواندند. ایشان با بیان خطبه ای از مولای متقیان در وصف یکی از یارانش بیانی تمثیلی در وصف ویژگی های شخصیت دیندار، مردم دار، شجاعت و تلاش مرحوم نبوی برای استان بوشهر مطرح کردند. ایشان ساده زیستی و خدمت صادقانه و کار در راه خدا را شاخص ویژگی های مرحوم نبوی دانستند. و اخلاق و منش مرحوم نبوی را سرمشق و الگویی مناسب برای مدیران و نمایندگان دانستند.

در پایان این مراسم با حضور عمادی معاون وزیر آموزش و پرورش، زرین فر معاون استاندار، اعضای شورای اسلامی شهر و قاسمی سرپرست شهرداری بوشهر از خانواده ایشان تجلیل و تقدیر به عمل آمد.

افتتاح نمایشگاه فرهنگی و تفریحی و همایش تجلیل از اولین ها و پیشکسوتان فرهنگی هنری


bushehrcity.ir پایگاه اطلاع رسانی شهرداری بوشهر

به گزارش واحد روابط عمومی شهرداری بندر بوشهر در نخستین شب از هفته نکوداشت بوشهر با حضور اعضای شورای اسلامی شهر بوشهر، قاسمی سرپرست شهرداری بندر بوشهر و با حضور جمعی از فرهیختگان و اصحاب رسانه نمایشگاه فرهنگی و تفریحی افتتاح گردید این نمایشگاه که از غرفه های متنوع آموزشی، سرگرمی، هنرهای دستی و ورزشی تشکیل شده است با استقبال عموم شهروندان روبرو بود. در ادامه ی این مراسم همایش تجلیل از اولین ها و پیشکسوتان عرصه های مختلف فرهنگی و هنری و تجارت و کسب و پیشه تجلیل و تقدیر به عمل آمد. در این آیین از خدمات ارزنده دکتر مشایخ از اساتید و معلمان پیشکسوت و رئیس بنیاد ایرانشناسی دفتر بوشهر، حسین نوری فیروزی از شاعران پیشکسوت محلی سرا، محمدرضا ایرانی از پیشکسوتان عرصه تجارت و دیگر هنرمندان و کسبه ی خوشنام و بازاریان قدیم بوشهر تجلیل گردید.

برنامه های دهمین هفته نکوداشت بوشهر به ترتیب روزها


bushehrcity.ir پایگاه اطلاع رسانی شهرداری بوشهر

شنبه ۱۲ اسفند

زنگ بوشهر در مدرسه تاریخی سعادت، ساعت ۷:۳۰ با حضور مسئولان استانی و مدیریت شهری

رایگان شدن اتوبوس های شهری همزمان با آغاز هفته نکوداشت بوشهر

نمایشگاه صنایع دستی در خانه فرهنگ عالی آباد

مراسم تجلیل از اولین ها (پیشکسوتان معلم دوره ابتدایی، عکاسی، موسیقی، مطبوعات) در مراسم جشن شبانه

یکشنبه ۱۳ اسفند

جشنواره فرزندان محراب (مسابقه برترین مکبران و مؤذن های نوجوان شهر بوشهر) ۱۳ اسفند در مسجد توحید (ثبت نام در سازمان فرهنگی شهرداری تا روز قبل از مراسم ادامه دارد)

ویژه برنامه آواها و نواهای بوشهر (شروه خوانی، چاووشی خوانی، خیام خوانی، نیمه خوانی و...) در جشن شبانه

دوشنبه ۱٤ اسفند

تور عکاسی بوشهر از ساعت ۸ صبح و سپس برگزاری نمایشگاه عکس های برگزیده در ساحل

آئین گرامیداشت یاد و خاطره مرحوم سید محمدحسن نبوی نماینده سه دوره بوشهر در مجلس، ساعت ۱۹ در مجتمع فرهنگی هنری.

سه شنبه ۱۵ اسفند

همایش دوقلوها و تجلیل از دوقلوهای هنرمند و موفق بوشهر، در جشن شبانه (نام نویسی تا روز قبل مراسم در سازمان فرهنگی ادامه دارد)

چهارشنبه ١٦ اسفند

شب شکوه بازار بوشهر، رونمایی از کتاب اصناف و تجلیل از پسشکسوتان و معتمدین بازار بوشهر، از ساعت ۱۹ در مجتمع فرهنگی هنری

پنجشنبه ۱۷ اسفند

شب شروه در مقبره شیخ حسین چاهکوتاهی

همایش چهره های ماندگار و شهروند افتخاری/ ساعت ۱۹ در مجتمع فرهنگی هنری (و رونمایی از کتاب چهره و شهروندان افتخاری ۱۰ دوره روز بوشهر)

مسابقه مردان آهنین در پارک شغاب بوشهر

مسابقه شطرنج کشوری در پارک شورا با حضور احسان قائم مقامی

جمعه ۱۸ اسفند

مسابقه رالی خانوادگی، ساعت ۱۰ در ساحل بندرگاه

پیاده روی خانوادگی، ساعت ۷ از پارک شورا تا میدان شهید رئیسعلی دلواری

مسابقات استانی رباتیک در سالن فجر بوشهر



صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

همایون شهنواز؛ مردی که به تاخت رفت



حبیب احمدزاده: شهنواز؛ مردی که به تاخت رفت. همایون شهنواز هم اکنون به تاخت از ما گذشت تا در کنار رییسعلی ها و دریاقلی هایش از آن سوی زمان به ما بنگرد.

او در زمانی سریال دلیران تنگستان را ساخت که بسیاری از ما مردم این کشور و جنوبی ها حتی نام این قهرمان موطن خود را نشنیده بودیم. او بر گردن من یکی، بسیار حق اسطوره ای دارد. به وقتی موسوم به قبل از انقلاب که در جلوی تلویزیون لامپی شاوب لورنس خانه عمویم در آبادان به همراه دیگر بچه‌ها دراز کشیده و منتظر شروع سریال دلیران تنگستان می‌شدیم و همراه با آنان با انگلیسی های متجاوز در نخلستانهای ندیده دلوار نبرد می کردیم و چه سالها بعدتر و پس از انقلاب که همراهش شدم در سفری دونفره به مناطق جنگی آبادان و خرمشهر و دریاقلی را که شناخت و در لحظه برگشت در هواپیما که کمربندش را می بست و گفت که بنظرش دریاقلی و ماجرایش حتی بزرگتر از رییسعلی دلواری است که من به شوخی گفتم این حرف را در آبادان زدی تمام، ولی هرگز در بوشهر تکرارش نکن که خونتان پای خودتان است و همین سفر شد مبنای نوشتن فیلمنامه شب واقعه توسط ایشان و فیلمی با همین نام و....

در کنگره شهیدان استان بوشهر و در آخرین لحظات، لختی بالا آمد و با اشاره به عکس های شهدا و گفت تا قبلش برایم رییسعلی فقط یک نفر بود ولی الان با دیدن عکس این همه شهید، متوجه شدم که این استان این همه رییسعلی پرورانده... و هیچوقت لبخندهای کودکانه و معصوم این مرد هشتاد ساله را حتی بر روی تخت بیمارستان فراموش نخواهم کرد، هیچ وقت.

پی نوشت: عکس گرفته شده در همان سفر به مناطق جنگی جنوب در یک روز بارانی در منطقه شلمچه، زمستان سال۷۴

یادی از استاد سید محمدحسن نبوی

دکتر عباس علوی نژاد



این روزها به مناسبت روز بوشهر برنامه های خوبی اجرا می شود. در خبرها دیدم در مدرسه سعادت از یکی از چهره های درخشان استان مرحوم حجت الاسلام دکترسید محمدحسن نبوی تجلیل می شود. این شخصیت آگاه, مردمی و ساده زیست در ذهن مردم استان جایگاه ویژه ای دارد. رأی کبود ایشان در رفراندوم انقلاب سفید نشان از شجاعت و عزم ایشان بود. با پیروزی انقلاب مسؤولیت اداره کل آموزش و پرورش استان را عهده دار شد و با کرامت و ظرفیت و با تساهل و رحمت با سلیقه ها و جریانات سیاسی آن روز مواجه شد.خاطراتی از این مرد بزرگ دارم که از باب وظیفه به چند مورد از آنها اشاره می کنم:

۱- در سال ۵۸ در برازجان دانش آموز بودم و اطلاع پیدا کردم ایشان که مدیرکل آموزش و پرورش استان بود به اداره آموزش و پرورش دشتستان می آید و من هم که سال دوم دبیرستان بودم برای دیدنش به محل اداره رفتم و منتظر ماندم تا بیاید. وقتی وارد ساختمان شد نوجوانی روزنامه یکی از گروهها را به ایشان داد, مرحوم نبوی گرفت و نگاهی به نوجوان کرد و پدرانه گفت بهتره بجای این کارها درسهایت را بیشتر بخوانی.

۲- در سال ۶۸ که آقای صوفی استاندار بوشهر بود و آقای انصاری لاری معاون سیاسی بود از من دعوت کردند به عنوان فرماندار گناوه باشم. رویکرد مرحوم نبوی در آن زمان حمایت از مردم و لنجداران و ملوانان بود اما برخی با تعابیری مثل قاچاقچی با این موضوع برخورد داشتند اما استاد نبوی با درک شرایط زندگی مردم و نبود اشتغال مناسب همواره دفاع می کرد. در همین رابطه توصیه هایی هم به من برای حمایت از مردم داشت که سعی کردم حتی الامکان رعایت نمایم.

۳- بعد از سفر مقام معظم رهبری



در سال ۶۹ به استان بوشهر و سفر به دلوار و تعبیر شهید برای رئیسعلی در آن زمان که مدیرکل امور اجتماعی و انتخابات استانداری بودم تصمیم بر این شد کنگره ای برای بزرگداشت شهید رئیسعلی برگزار کنیم و قرار شد دبیرخانه آن در مرکز بوشهرشناسی که مرحوم نبوی رئیس آن بود مستقر شود و من هم دبیر علمی کنگره باشم. از اساتیدی مثل دکتر حمیدی, دکتر خیراندیش, دکتر مالکی, دکتر مشایخ, یاحسینی, مظفری زاده, موسوی نژاد, زنگویی, سعیدی و اسدپور حدود یک سال و نیم تقریبا ماهی یک جلسه داشتیم و سفرهایی به اهرم, دشتی و بردخون داشتیم که مرحوم نبوی هم غالبا در سفرها بودند و هر جا می رفتیم از ایشان تجلیل می شد و از وسعت اطلاعات ایشان بهره ها بردیم.

۴- در سال ۷۶ که جناب آقای دکتر خاتمی رئیس جمهور شد مرحوم نبوی از نادر روحانیون استان بود که از ایشان حمایت کرد. بعد از انتخابات رفته بود دیدن آقای خاتمی و بحث از تغییر مدیریت استان مطرح شده بود. مرحوم نبوی یک روز بدون اطلاع قبلی آمدند محل کار من و فرمودند: آقای خاتمی معرفی فرد توانمند و مورد توافق جمعی را به ایشان واگذار کرده و گفتند من این نامه را نوشتم و شما را برای استانداری بوشهر معرفی کردم. دستخط ایشان که در سربرگ کنگره بزرگداشت رئیسعلی دلواری نوشته بود, بعدا تایپ و امضا کرد و برای رئیس جمهور فرستاد. البته این کار به نتیجه نرسید و علت آن هم مخالفت برخی افراد بومی بود که در دوره های مختلف نسبت به نیروهای بومی اینگونه اظهار لطف مکرر داشتند که به قول عامیانه ناشی از خصلت غریب نوازی و بومی گدازی است.

اینجانب ضمن تشکر از دست اندرکاران بزرگداشت روز بوشهر و هفته بوشهر امیدوارم فرهنگ تجلیل از عالمان, بزرگان, پیشکسوتان, مجاهدان, خدمت گزاران و همه کسانی که عمر خود را وقف خدمت صادقانه به جامعه کردند, نهادینه شود. این مختصر را از باب وظیفه برای بزرگ مردی نوشتم که چندین دوره نماینده شایسته مردم بود و در دوره دبیرستان در سال ۶۰ حق معلمی و دبیری بر اینجانب هم داشت و بعد از تحویل دادن مسؤولیت آموزش و پرورش استان باز هم به عنوان با شرافت معلمی در کلاس حاضر شد.

رسالت شهنواز



دکتر محمدجواد حق شناس: دیدار و پای سخن همایون شهنواز نشستن برای من در همه این سال‌ها به یک سنت فرهنگی- تاریخی تبدیل شده بود. محضر همایون، محضر هنرمندی متعهد، آگاه و میهن‌دوست بود که همواره به گفت‌وگوهایی عمیق و تاریخی و در عین حال تلخ و شیرین می‌گذشت. تسلط و اشراف حیرت‌انگیز او بر تاریخ و جغرافیای جنوب، به ویژه موضوعات مربوط به سردار مبارزه جنوب -رئیسعلی دلواری- و سریال ماندگار دلیران تنگستان همیشه برای من که پدران و نیاکانم از آن دیار بودند، دلنشین و در مواردی آموزنده بود.

در یکی از همین دورهمی‌های دوستانه که در خانه تاریخی‌اش برگزار بود، همایون از پدر خاطره‌ای تعریف کرد که با روایت مضمون آن، تلاش می‌کنم توضیحی برای چرایی و چگونگی زیست جهان این هنرمند بزرگ ارائه دهم. همایون شهنواز تعریف می‌کرد که گویا هنگامی که تصمیم می‌گیرد برای تحصیل فیلم‌سازی راهی فرنگ شود، پدر گوش فرزند را به آرامی می‌گیرد و به او یادآور می‌شود که باید بعد از تحصیل به ایران برگردد و هرچه را آموخته است، برای ایران به کار گیرد. عمر هنری او را گویی می‌توان با همین مانیفست کوتاه و گران شهنوازِ پدر تحلیل و روایت کرد. شهنواز جوان دانش‌آموخته فرنگ از همان ابتدای بازگشت هم و غَم خود را برای تصویرگری ایران و قهرمان‌ها و قصه‌ها و بزرگی‌هایش می‌گذارد...

با ساختن مجموعه‌های فاخر تلویزیونی و سینمایی، خودش را به عنوان یکی از ستارگان سپهر فرهنگ و هنر در تاریخ معاصر ایران تثبیت می‌کند. از دیگر ویژگی‌های کارهای او رویکرد پژوهشی و سختگیرانه‌اش درباره واقعیت‌های تاریخی است و تلاش و ممارستی که در شناخت کامل سوژه و محیط آن به خرج می‌داد. همین رویکرد است که آثار او را در سطح اعتباری بسیار بالایی قرار می‌دهد و باعث می‌شود کارنامه او که عمدتا حول ژانر تاریخی تعریف می‌شود، به دور از حواشی معمول و مرسوم تولیدات قرار گیرد.

اهمیت و عشق نامیرای او به ایران و سختگیری و وسواس او در محتوای آثارش بدون تردید به عنوان میراثی بزرگ و الهام‌بخش پیش‌روی همه هنرمندان این دیار قرار دارد و باید بارها و بارها کاوش و بررسی و نیز ترویج شود تا بتوان امیدوار بود انقطاع تجربه در میان نسل‌های هنرمند و فرهیخته کمتر و کمتر شود.

همایون شهنواز که در سال‌های اخیر بارها و بارها مورد بی‌مهری و اجحاف حقوقش از طرف دستگاه‌های فرهنگی این کشور قرار گرفته بود، دیروز با نامی سربلند فرصت یگانه زیستنش را به پایان و رسالتش را در بالندگی ایران و ایرانیان به سرانجام رساند. امیدوارم منش و کردار او، الگویی برای همه ما باشد و بیش از یادکردن از او به سبک زیستنش اندیشه و عمل کنیم.

به یاد شادروان همایون شهنواز کارگردان دلیران تنگستان و شهروند افتخاری بوشهر

